



چکیده مقالات

شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

به کوشش

دبیرخانه هیأت علمی کنفرانس

۱۳۸۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۹	بخش اول: جهانشمولی اسلام
۱۱	فصل اول: مبانی جهانشمولی اسلام
۱۳	اسلام و جهانی شدن / دکتر عماد افروغ
۱۵	جهانشمولی اسلام و جهانی شدن اسلامی.../دکتر محمد رضا جواهری
۱۹	نگرش نو به سیمای جامعه جهانی اسلام.../دکتر رضا رستمی زاده
۲۱	تمدن عصر ظهور و ویژگیهای آن/دکتر محمدرضا بندرچی
۲۲	عرفان و جهانی شدن/دکتر سعید رحیمیان
۲۴	میانی فلسفی و قرآنی جهانشمولی اسلام/محمدرضا کاشفی
۲۷	اهمیت اتحاد امت اسلامی در برابر جهانی سازی/عبدالهادی آوانج
۲۹	اسلام، دین جهانی/آیت الله محمدآصف محسنی
۳۱	جهانی شدن (تعریف، تاریخ و میانی فکری و فلسفی آن)/عثمان رادبی
۳۳	جهانی سازی و جهان اسلام/احمد بارگاهی
۳۶	دین و جهانی شدن/دکتر بیوک علیزاده
۳۹	جهانشمولی اسلام هماهنگی با فطرت انسانی/اعتمادی نیا، احمدی، تاجیک
۴۱	جهانی سازی و اخلاق/دکتر وهبه الزحیلی
۴۴	جهانشمولی اسلامی و جهانی سازی معاصر/محمد المختار السلامی
۴۷	جهانشمولی و جهانی سازی/آیت الله محمد علی تسخیری
۴۹	قرآن، جهانی شدن و هویت مجازی/سید حسن عصمتی
۵۱	فصل دوم: راهکارها برای جهان اسلام
۵۳	دین و جهانی شدن: فرصتها و چالشها/دکتر محسن الویری
۵۶	جهانی شدن و ایرانی: بایدها و نبایدها/دکتر امیر محمد حاجی یوسفی
۵۸	وضعیت انسان مسلمان در جهان معاصر/دکتر مهدی محسنیان راد
۵۹	اتحادیه امت اسلامی.../پروفیسور حمید مولانا
۶۲	الگوی جهانگردی مسلمانان در عصر.../دکتر محمد هادی همایون
۶۵	بخش دوم: جهانی سازی
۶۷	فصل اول: اقتصاد
۶۹	جهانی شدن: چه باید کرد؟/دکتر الیاس نادران
۷۱	فرامرزی شدن قلمروهای اجتماعی - اقتصادی در.../دکتر احمد شعبانی

۷۳	مروری بر وجوه اقتصادی حکومت مهدی(ع)/دکتر حسن سبحانی
۷۵	درآمدی بر شکل گیری بازار مشترک اسلامی/شیخ حسن آقانظری
۷۷	فصل دوم: سیاسی، حقوقی و روابط بین الملل
۷۹	ابعاد سیاسی جهانی شدن و آینده جهان اسلام/دکتر ابراهیم برزگر
۸۰	جهانی شدن، ملیت و قومیت در خاورمیانه/دکتر حمید احمدی
۸۱	جهانی شدن و تحول گفتمان مسلط اندیشه اسلامی/دکتر فرزین قریشی
۸۲	جهانی شدن و چالش ارزش های سیاسی در .../دکتر نوراله قیصری
۸۴	فرصت ها و تهدیدهای جهانی شدن: مطالعه موردی .../دکتر اصغر افتخاری
۸۵	جهانی شدن: اجتناب ناپذیری فرسایش حاکمیت .../دکتر حسین دهشیار
۸۷	جهانی شدن ها: غربی شدن و اسلام شدن جهان.../دکتر سعید رضا عاملی
۹۲	جهانی سازی و جهانی سازان/محمد جعفر حسینیان
۹۶	جهانی شدن و جهان اسلام/عبدالقیوم سجادی
۹۹	پارادوکس جهانی شدن و تأثیر آن بر .../دکتر حسام الدین واعظ زاده
۱۰۱	فصل سوم: فرهنگ و ارتباطات
۱۰۳	الگوی هنجاری مطلوب برای رسانه های جدید .../دکتر حسام الدین آشنا
۱۰۵	جهانی شدن و هویت فرهنگی/مرتضی اشرفی
۱۱۱	گفتگوی تمدن ها راهکار جهانی شدن اسلام/دکتر محمدرضا جواهری
۱۱۳	جهانی شدن و ارتباطات دینی/دکتر ناصر باهنر
۱۱۵	جهانی شدن، فرهنگ جهانی و تجدید حیات .../دکتر حسین پوراحمدی
۱۱۷	جهانشمولی و مسئله هویت/دکتر محمد ستوده
۱۲۰	جهانی سازی: تهدیدها و فرصتها در عرصه .../سید سعید لواسانی
۱۲۴	تنگناهای فرهنگ حاکم بر جهانی شدن/سید کاظم سید باقری
۱۲۸	تأثیر جهانی سازی فرهنگی بر جامعه اسلامی/دکتر عمر چاه
۱۳۱	نمایه
۱۳۳	نمایه پدیدآورندگان
۱۳۵	فهرست مقالات واصله به دبیرخانه هیات علمی

پیشگفتار

شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی با موضوع 'جهانشمولی اسلام و جهانی سازی' در حالی برگزار می شود که کشور اسلامی عراق توسط آمریکا و انگلیس برغم مخالفت شورای امنیت سازمان ملل متحد و مخالفت اکثر ملت ها با بی سابقه ترین فجایع انسانی به اشغال در آمده است. این واقعیت تلخ، واقعیت دیگری را برای بشریت آشکار ساخت که پدیده جهانی سازی و جهانی شدن نظام بین المللی در حوزه اقتصاد، فرهنگ و ارتباطات، اسطوره ای بیش نیست و آنچه مدعیان دموکراسی و حقوق بشر در سر می پروراندند، جهانی شدن زور و قدرت و ستمگری است و در سایه شوم این اندیشه، بعید به نظر می رسد از این پس مرزها، حرمت و حقوق ملت ها، جایگاهی در روابط بین الملل داشته باشد. در این شرایط حساس ضرورت دارد ملت های تحت ستم - بویژه مسلمانان - پیشینه جدایی و تفرقه را، که طراحان اصلی آن، قدرتهای استکباری بوده اند، بازخوانی کنند و بر ریسمان وحدت و یکپارچگی چنگ بزنند و علاوه بر افزودن بر توان خویش، مبانی و اصول اسلام را که بر اساس جهانشمولی استوار است، محققانه تبیین کنند و به گوش جهانیان این شعار اسلام را که می فرماید: "و ما ارمسلناک الی رحمة للعالمین" برسانند. بی تردید پس از آشکارشدن سیاست های استعماری

قدرتهای بزرگ، بی محتوایی شعارهایی چون دموکراسی و رفاه برای همه انسان ها و برخورداری از امکانات، برای همگان معلوم گردیده است. در این موقعیت زمینه پذیرش اندیشه ای نو که بر پایه عدالت و آزادی استوار باشد در بین مردم آزاد اندیش جهان وجود دارد و اگر اندیشمندان جهان اسلام با شناخت کافی از نیازمندیهای انسان امروز، مبانی و اصول این دین فراگیر و جهانشمول را بررسی کنند، بی شک خواهند توانست الگویی جدید برای جهانی شدن فرهنگ منطبق بر فطرت پاک انسان ارائه دهند.

سید طه مرقاتی

دبیر هیأت علمی کنفرانس

بخش اول

جهانشمولی اسلام

فصل اول:

مبانی جهانشمولی اسلام

اسلام و جهانی شدن

دکتر عماد افروغ^(۱)

قصداً ما در این مقاله این است که با ارائه تصویری از جهانی شدن مصطلح و با انتزاع قابلیت‌های مفهومی آن، پارادوکسها و امکان وجودی آن را در ابعاد فلسفی و نظری به بحث بگذاریم و متعاقباً به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دینی برای ارائه جهانی شدن مطلوب بپردازیم. برای این مهم ضروری می‌نماید که در ابتدا با طرح اقتضائات و الزامات جهانی شدن مفهومی که پیوندی به عام‌گرایی دارد، با شناخت دقیق جهانی شدن مصطلح به انطباق آن با جهانی شدن واقعی و متصور بپردازیم. گام بعدی شناخت وضع موجود جهان و انطباق آن با مدعیات جهانی شدن مصطلح است و اینکه تا چه اندازه اظهارات طرفداران این جهانی شدن با واقعیات موجود همخوانی دارد؟ و گام نهایی نیز شناخت ظرفیت‌های ادیان به ویژه اسلام برای جهانی شدن و عام‌گرایی از یک سو و انطباق آن با جهانی شدن واقعی، وضع موجود عالم و جهانی شدن مصطلح از سوی دیگر است.

مدعی اصلی نویسنده این است که با توجه به ابتناء جهانی شدن واقعی بر اصل‌گرایی و جوهر‌گرایی و به دلیل اتکاء جهانی شدن مصطلح بر خرد خود بنیاد که متضمن خود ویرانگری، اصل‌زدایی و جوهر‌زدایی از عالم است، تنها ادیان قابلیت جهانی شدن مطلوب و واقعی را دارند و در این بین آموزه‌های قرآنی سرشار از این قابلیت‌هاست. اگر لازمه یک جهانی شدن واقعی باور به یک

۱- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

وجود ضروری و حقیقت نمایی و نگرشی توحیدی و یکپارچه و منسجم به عالم باشد که زمان و مکان نمی شناسد، و انسان به ما هوانسان را با هر رنگ و تعلق مخاطب قرار می دهد، اسلام سرشار از آموزه ها، آیات و اصولی است که مؤید این امر است.

بعلاوه، واقعیت کنونی عالم نیز ضمن آنکه مؤید جهانی شدن واقعی است، به لحاظ انضمامی و اجتماعی نیز حرکتی رو به رشد به سوی عرفی زدایی و توجه به ملزومات اصل گرایی و جوهر گرایی حقیقی دارد.

جهانشمولی اسلام و جهانی شدن اسلامی رویاروی جهانی سازی غربی

دکتر محمدرضا جواهری^(۱)

اسلام یک دین جهانی، همگانی و فراگیر است به یک قوم و نژاد و یک کشور و منطقه اختصاص ندارد، یک آیین بزرگ انسانی است که برای هدایت و سعادت تمام انسانها و نجات بشریت آمده است، یک دین فراملیتی و فرامنطقه ای و فراقاره ای است. پیامبر اسلام پیام آور انسانهاست و رسالت او بین المللی، گسترده و وسیع است. همه مردم روی کره زمین از نژادهای سفید و سیاه و زرد و سرخ در قاره های آسیا، اروپا، آفریقا، اقیانوسیه و استرالیا را فرا می گیرد.

بنابراین باید اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در جهان گسترش یابد و فرهنگ پاک و سالم و خالص قرآنی و معارف اهل بیت - علیهم السلام - جهانی شود و بر تمام کشور و ملت ها حاکم گردد. انفجار تکنولوژیک و انقلاب در فناوری اطلاع رسانی و ارتباطات جهانی و پدید آمدن ماهواره و اینترنت، فضای بسیار مناسبی را برای آگاهی مردم جهان و رساندن پیام اسلام به بشریت فراهم نموده است باید اندیشمندان جهان اسلام و رهبران فکری و معنوی پیروان پیامبر و اهل بیت و پیشگامان تولید فکر در حوزه های علمی دینی و دانشگاههای کشورهای اسلامی با کار و فعالیت شبانه روزی در راه خدا و برای خدا، راهکارهای جهانی شدن اسلام را

۱- عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

شناسایی و پیگیری کنند و برای چگونه اندیشیدن دانشمندان جهان برنامه ریزی نمایند و رهبری نخبگان و متفکران جهان را بر عهده بگیرند و با تولیدات فکری خویش و نخبگانی که از سراسر جهان به آنان می پیوند نیازهای واقعی و طبیعی جامعه جهانی را تشخیص داده و پاسخ مناسب آنها را بدهند تا اسلام در سراسر جهان گسترش یابد و اجزای سیستم جهانی با مهندسی اسلامی بر اساس قرآن و سنت اداره شود و امت واحد جهانی تحقق یابد و جهانی سازی و جهانی شدن غربی جاذبه هایش را از دست بدهد و شکست بخورد و ناکام گردد.

نویسنده در این مقاله با دلایل و مدارک معتبر فرهنگی در نزد مسلمین، جهانشمولی اسلام را ثابت کرده است. آیات قرآنی را که روشنگر جهانی بودن اسلام است می آورد و از راه مخاطب شناسی پیام قرآن، اختصاص اسلام به یک نژاد و منطقه خاص جغرافیایی را نفی می کند و سپس از میان انبوه احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام که بر جهان شمولی دعوت پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) تصریح دارد تعدادی از احادیث دارای اعتبار در نزد شیعیان و اهل سنت را ذکر کرده و مفاهیم و پیام های آنها را تبیین می کند. وی بشارت های پیامبران پیشین نسبت به ظهور حضرت محمد (ص) و همچنین سیره و رفتار نبوی (ص) و فرستادن سفیران و دعوت پادشاهان و ابر قدرتها و تمام جهانیان به سوی اسلام را گواه جهانشمولی اسلام قرار می دهد و تلاش اصحاب و تابعین و عموم مسلمانان در جهت اجرای فریضه دعوت به سوی اسلام را نشانه دیگر این حقیقت می داند و جلوه هایی از گفتار و رفتار علماء اسلامی در طول تاریخ اسلام از زمان پیامبر (ص) تا امروز را هم برای روشن شدن این موضوع می نویسد و مخصوصاً مبانی جهانشمولی اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره) را می آورد. او سرانجام در استدلال عقلی بر جهانی بودن اسلام موضوعات هماهنگی با فطرت، قابلیت تبیین عقلانی احکام شرعی، توانایی پاسخگویی به همه نیازها،

«خردمندی جهانشمولی» و «پایگاه و جایگاه عالی عقل در استنباط احکام اسلامی» را مطرح می‌کند.

مؤلف در این مقاله به دنبال بحث از «جهانشمولی و جهانی بودن اسلام» وارد بحث «جهان‌گیری و جهانی شدن و جهانی سازی اسلامی» شده است و جهانشمولی را پایه و زیربنای جهان‌گیری قرار داده و جهانی شدن اسلام را وعده تخلف ناپذیر الهی می‌داند که آیات قرآنی و سخنان پیامبر و اهل بیت گواه آن است. او با تعریف دقیق جهانی شدن از منظر اسلام به بررسی اندیشه مهدویت روی آورده و آن را الهام بخش جهانی شدن اسلام می‌شمارد و از همراهی و همکاری عیسی بن مریم (ع) با انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) به عنوان یک عامل مؤثر در سرعت توسعه اسلام در غرب و حاکمیت اسلام بر سراسر جهان در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، یاد می‌کند. به اعتقاد نویسنده علاوه بر تبلیغ و گسترش اندیشه مهدویت و ظهور متجی موعود، طرح صدور انقلاب اسلامی ایران به جهان نیز می‌توان راهکارهایی برای جهانی شدن اسلام باشد. در بخش پایانی مقاله، جهانی شدن و جهانی سازی در تاریخ سیاسی معاصر بررسی شده است و در این فصل، مؤلف پس از تبیین پیشینه جهانی شدن و چرایی و چگونگی رخداد آن، در صدد تعریف آن بر می‌آید و تعاریف زیادی را می‌آورد نظیر تعاریف «سائورین»، «کوتکویچ» و «کلنر»، «مارتین آلبرو»، «زیگموند باومن»، «مانوئل کاستل»، «مایکل نائرز»، «امانوئل والراشتاین»، «مالک واترز»، «آنتونی گیدنز»، «باری آکسفورد» و «آنتونی مک گرو» و همچنین تعاریف دکتر آیت قنبری، محمدرضا سید نورانی، سید عبدالقیوم سجادی، حسین بشیریه، عادل عبدالحمید علی، علی عبدالهادی بوطالب و عباسعلی عمید زنجانی.

وی معتقد است گزارش این تعاریف گوناگون از هر نقطه نظری که باشند به ما کمک می‌کند بهتر به ماهیت جهانی شدن پی ببریم و با هوشیاری و آگاهی با آن مواجه شویم و شناخت اصل موضوع جهانی شدن و ابهام زدایی از

مفاهیم آن توانایی ما را در نقد و تحلیل درست و حتی اصلاح و کنترل فرایند جهانی شدن افزایش خواهد داد. او در ادامه این فصل پایانی مقاله، نسبت میان 'جهانی شدن' و 'غربی شدن' را بررسی نموده و دیدگاه پیروان دمکراسی لیبرال غربی و دلباختگان فرهنگ آمریکایی را مبنی بر یکی دانستن 'جهانی شدن' و 'غربی و آمریکایی شدن' با طرح و ارزیابی عقاید چهره‌هایی نظیر 'فرانسیس فوکویاما، مایکل دوئل' و 'ایمانوئل والراشتاین'، پیگیری کرده است و هشدارهای برخی اندیشمندان جهان و انتقادات آنان بر تقارن و تطابق جهانی شدن و 'غربی شدن' را آورده است. 'لایبز' و 'جان اسپوزیتو' و 'کنت ان والتز'، محمد عابد الجابر، 'علی عبدالهادی بوطالب'، 'عبدالحمید علی' و 'دکتر علی بیگدلی' از کسانی هستند که توضیحاتشان در زمینه خطرهای زیان‌های جهانی شدن آمریکایی در متن مقاله آمده است. در آخر مقاله، نویسنده به دو پرسش پاسخ می‌دهد. یکی جهانی شدن ابزار یا اندیشه؟ و دیگری جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام، توافق یا تعارض؟

وی اعتقاد دارد جهانی شدن ابزار باشد یا اندیشه، در هر دو صورت باید بی‌درنگ از آن در راه گسترش اسلام در جهان بهره‌برداری نمود و سود و زیان آن به نحوه برخورد ما با پدیده جهانی شدن و اندیشه و آرمان و اراده ما بستگی دارد که برای سازگاری و برقراری تناسب و توافق بین 'اسلام' و فرآیند 'جهانی شدن' باید شرایط و عوامل آن را شناسایی نموده و با تعریفی نو و جدید از جهانی شدن و ترسیم اهداف و مقاصد الهی برای آن، در راه برقراری حکومت جهانی اسلام پیش رفت.

نگرشی نو به سیمای جامعه جهانی اسلام با تکیه به قرآن و سنت

دکتر رضا رستمی زاده^(۱)

پیامهای قرآن و رهنمودهای نورانی اسلام در قالب سنت در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی با تکیه بر جهانی شدن دین اسلام به عنوان ارمغان وحی و لطف الهی است که در اختیار بشریت قرار گرفته است و تلاشهای اندیشمندان اسلامی در هر زمان در شرح و توضیح این پیامها و رهنمودها قابل تقدیر بوده و هست، اما حقیقتاً کسی می‌تواند در باب جامعه‌شناسی آرمانی دین سخن بگوید که خود در متن دین و زندگی دین داران قرار گرفته باشد و از نزدیک دین و ایمان دینی را لمس کرده و پاکی و اصلاح را خالصانه خط مشی خود قرار داده باشد. در این صورت می‌تواند در حوزه عالی‌ترین نماد از دین قدم گذارد و دورنمایی از حقیقت جامعه جهانی اسلام را ترسیم کرده و عرضه نماید.

یکی از زیباترین موضوعات اسلامی که در میان اندیشمندان مفاخر مورد بحث و بررسی و اظهار نظر قرار گرفته و می‌گیرد مسأله جهانی شدن اسلام است که سمبل و نشانه بارز حضور دین در جامعه است.

محور اصلی این مقاله شکل‌گیری جامعه مطلوب و جهانی اسلام و حکومت اصلح با وجود صالح‌ترین بندگان خداست. در این پژوهش با نگرش اصولی بر اساس پویایی احکام و شریعت اسلام و با بیانی ساده، شکل بیرونی و

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

درونی و محتوایی جامعه آرمانی اسلام آن طور که منظور صاحب وحی است ترسیم گشته است. و در این راستا سخن خدا و کلام پاک معصومین (ع) که به سرچشمه زلال وحی پیوند دارد اصل قرار گرفته است و با ارائه اصول و راهکارهای عملی برای رسیدن به جامعه مطلوب، ضرورت وجود و ظهور آن زمامدار شایسته و امام معصوم (ع) را برای آن جامعه آرمانی ثابت می‌کند. باشد که در پرتو نور ولایت امام زمان (علیه السلام)، آن عزیز بی‌همتا، عزت واقعی را بدست آوریم و سیره آن حضرت را که سیره همه چهارده معصوم (علیهم السلام) است از نزدیک لمس کنیم. /انشاءالله

تمدن عصر ظهور و ویژگیهای آن

دکتر محمدرضا بندرچی^(۱)

تا جایی که در تاریخ درج شده، هیچ گاه انسان از اندیشه و رویای بهزیستن فارغ نبوده و همیشه نگاه او برای رسیدن به آینده ای بهتر و آسوده تر، به دور دستها نگریسته است. این آرزو در زندگی انسان، جنبه های مختلفی داشته که بارزترین نمونه آن را در اندیشه «مدینه فاضله» متبلور می یابیم، همان «آرمان شهری» که در آن از پریشانی های جوامع موجود نشانی نباشد. اما این اندیشه در طول تاریخ تعینات مختلفی یافته و هر یک از اندیشمندان جهان، تصویری ویژه از آن بر صفحه ضمیر انسان ها نقش کرده اند. ولی یک نکته در این بین اهمیت ویژه ای دارد و آن، این که «بهشت موعود زمینی» جایگاه مهمی در تفکر آدمی دارد.

موضوع مورد بحث ما در این نوشتار، بررسی اجمالی همین ایده آل است، منتها از دیدگاهی مذهبی و اندیشه دینی. آنچه در این مجال در پی آن هستیم، یافتن نسبت و ارتباط موضوع «مهدویت و ظهور امام زمان با اندیشه مدینه فاضله» است. و به واقع می خواهیم بدانیم آیا اندیشه «آرمان شهر زمینی» در محدوده آموزه های مذهب نیز جایگاهی خاص دارد یا خیر؟
آیا تمدن و مدنیتی که پس از ظهور منجی عالم بشریت، امام زمان (عج) تشکیل می یابد، تبلور همان «مدینه فاضله» است؟

۱- عضو هیأت علم، دانشگاه قزوین.

عرفان و جهانی شدن

دکتر سعید رحیمیان^(۱)

بشر در آستانه قرن بیست و یکم با انواع بحرانها از ابعادگوناگونی معرفتی، اخلاقی، زیست محیطی، تکنولوژیک، اقتصادی، نظامی و... روبروست که ریشه و نیز شاخصه عمده آنها را می‌توان بحران هویت و بحران معنویت دانست.

تکثر عقاید، اخلاقیات، فرهنگی و شیوه‌های زیست بشر مادام که به تضاد و خصومت و درگیری نینجامد، توسط همگان پذیرفتنی است اما آن هنگام که به مرز عدم تحمل یا تلاش برای تحمیل عقاید و ارزشها و شیوه زیست بینجامد چه تحت عنوان ترور یا مبارزه مقدس باشد یا ذیل عنوان یک جانبه‌گرایی - جهانی شدن (به برخی معنای آن) و یکسان‌سازی فرهنگی، می‌تواند عامل ورود به عرصه بی‌پایان و مرگبار تنازع و برخورد و در یک کلمه آغازی بر پایان فرهنگ و تمدن بشری باشد.

برای پیشگیری از این رویارویی مهلک، آنچه می‌تواند بیش از هر چیز موثر افتد، یافتن زبانی است مشترک که در درجه نخست بینشی اصیل از هویت انسان و جهان پیرامون او و نظام حاکم بر عالم ارائه دهد و در وهله بعد، واجد مشخصه‌هایی باشد که بدون نفی کثرت، راه وصول به وحدت را به بشر بنمایاند و بدین ترتیب دگر پذیری، روانداری، تحمل و دیگر فضیلت‌های مرتبط با آن را فراگیر سازد.

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز.

به نظر می‌رسد عرفان و حکمت مقدس ناشی از آن به جهت داشتن
 خصایصی مانند ویژگی‌های که در ذیل بر شمرده می‌شود واجد چنین ظرفیت و
 توانایی باشد:

- ۱- نگاه وحدت‌گرایانه به وجود هستی؛
 - ۲- نگاه متعالی و غیر ابزاری به انسان و جهان؛
 - ۳- ابتدا بر عنصر فطری عشق و محبت در نگرش به خدا و جهان و انسان؛
 - ۴- توانایی ارجاع کثرت به وحدت در بعد معرفتی با تکیه بر عضو تأدیل؛
 - ۵- فراهم سازی زمینه فضایی همچون پذیرش تکثر، درجات، همدردی با
 دیگران بر اساس عبودیت - تواضع و شرح صدور؛
- و.....

مبانی فلسفی و قرآنی جهانشمولی اسلام

محمد رضا کاشفی^(۱)

جهانی شدن هنوز از نظر ماهوی در پرده ابهام قرار دارد، زیرا فرایندی است که در حال شدن است نه کمال. با این همه در قبال آن جرح و تعدیل های فراوان صورت گرفته و نقد و تأییدهای متفاوتی ارائه گردیده است. این رخداد برخی از مقولات و محورها را نیز به چالش کشیده است. در این میان هویت دینی و تفکر اسلامی با دو ویژگی جاودانگی و جهانشمولی به عنوان مهمترین محور چالش را در قبال جهانی شدن محسوب می گردد.

این پرسش ها، امروزه دغدغه علمی اندیشمندان مسلمان است که: اسلام و آموزه های دینی در مواجهه با جهانی شدن چه وضعیتی خواهد داشت؟ آیا فرهنگ اسلامی توان مقاومت و معاوضه در برابر فرنگ و گفتمان جهانی شدن را دارد؟ این معارضه با اتکاء به کدام آموزه های دینی صورت می گیرد و تا چه اندازه احتمال توفیق دارد؟ آیا در عصر جهانی شدن که یکسان سازی فرهنگی و اجتماعی از سوی قدرتهای مسلط بر تنوعات فکری، فرهنگی و اجتماعی بشری تحمیل می گردد می توان از حوزه تمدنی به مام جهانیت اسلام یاد کرد؟ جایگاه و موقعیت این حوزه تمدنی در عصر جهانی شدن چگونه خواهد بود؟ و...

پرسشهای فوق مهمترین سؤالاتی است که امروزه پژوهشگران مسلمان را به اندیشه و تفحص می طلبد اما در این میان تلاش نوشتار حاضر بر آن است

تا با طرح مبانی فلسفی - عقلی و قرآنی جهانشمولی اسلام آن را به عنوان نظریه‌ای بدیل در قبال جهانی شدن مطرح سازد. چارچوب نوشتار فوق را مباحث ذیل سامان می‌دهد.

نخست، مبانی نسبی‌گروی فرهنگی، نقد و یگانگی فرهنگ تحلیل گشته است. زیرا فرهنگ اسلامی به دلیل جهانشمولی‌اش بر آن است که اولاً، امکان دارد همه انسانها در هر نقطه از کره خاکی متلبس به این فرهنگ شوند. ثانیاً، این فرهنگ برترین، بهترین و موجه‌ترین فرهنگ‌های جهان است. این موضوع دیدگاه نسبی‌گروی فرهنگی را بر نمی‌یابد زیرا نسبی‌گروی معتقد است که جامعه‌های متباین و مختلف الهویه را نمی‌توان به یک جامعه واحد یا فرهنگ و نظام ارزشی واحد تبدیل کرد؛ امکان ندارد که بتوان پاره‌ای از امور و شئون یک جامعه را به جامعه‌ای دیگر سرایت داد، هر فرهنگی فقط با جامعه خود متناسب است.

آنگاه دین به صورت ذیل تعریف گشته است: مجموعه حقایق هماهنگ از نظام اعتقادی، ارزشی و عبادی است که برای هدایت و تعالی انسان در دو قلمرو فردی و اجتماعی وی، توسط رسولان الهی از جانب پروردگار در قالب وحی ارسال گشته است. این تعریف سه رکن اساسی که هر یک مکمل دیگری بوده و در هویت دین نقش بسزایی دارد - برای دین توسعه کرده است (نظام اقتصادی، نظام ارزشی و نظام فقهی) از سوی دیگر این تعریف ویژگی‌های اساسی برای دین شمارش نموده است؛ عینی بودن دین، تبیین میزان حق بودن دین توجه به بعد نظری و عملی، مؤلفه‌های دین، شمول دین، عدم تابعیت دین از انسان.

سپس با این تحلیل که گوهر دین همان تسلیم و انقیاد در برابر مقام ربوبی است و شکل چگونگی آن [صدق دین] با اختلاف اعصار و از متد مختلف می‌شود و تشریح این حقیقت که گوهر لبّ دین با شناخت خدا و تصدیق پیامبر خدا که متضمن پذیرش دین و شریعت اوست نمود و عینیت پیدا می‌کند. [نظام

اعتقادی، نظام ارزشی یا اخلاقی، نظام فقهی] اسلام به عنوان دین کامل و برتر که جهانشمولی است با ادله عقلی زیر حکم عقل به انتخاب دین کامل و برتر، حکم عقل بر حقانیت دین متأخر، ختم نبوت و پارادوکسیکال بودن تکثر گرایی، به اثبات رسیده است.

این جهانشمولی و برتر بودن با دسته بندی آیات قرآن در عناوین ذیل نیز به تأیید رسیده است: اخذ پیمان از پیامبران و امت های پیشین و در تبعیت از اسلام، قرآن - کتاب مبین و ناسخ - محمد (ص) پیامبر جهانی، قرآن کتاب جهانی، بشارت به اسلام تورات و انجیل، فراخوانی اصل کتاب به اسلام و توبیخ آنان، اسلام شرط هدایت اصل کتاب، نهی از تغییر دین [ارتداد] وعده عذاب برای اهل کتاب وعده پیروزی اسلام بر تمامی ادیان و تحریف تورات و انجیل؛

از آنجا که جهانشمولی اسلام با تحلیل عقلی و قرآنی ویژگی هایش تبیین می شود، خصایص آن در عناوین ذیل تشریح و تدلیل گشته است:

جامعیت و کمال اسلام، حقانیت اسلام، فطری بودن اسلام، جاودانگی اسلام، پویایی اسلام، امت اسلامی، اسلام و دنیا، اسلام و علم، اسلام و تجدد، اسلام و عقلانیت، اسلام و ادیان و مذاهب دیگر.

اهمیت اتحاد امت اسلامی در برابر جهانی سازی

الحاج عبد الهادی ابن الحاج آوانج^(۱)

رسالت جهانشمولی که حضرت محمد (ص) بر دوش داشتند از علم بی انتهای الهی بود که حکمتش قابل شمارش نیست. آخرین پیامبر عصری که به موجب موهبت الهی، انسان به قله علم و تکنولوژی قدم گذاشته و کره زمین را به دهکده جهانی تبدیل کرده است. پس یک رسول (پیامبر) واحد برای همه انسانها در همه مکانها و زمانها کافی است. و ما در این عصر شاهد رویدادهایی بوده ایم که اصحاب حضرت محمد (ص) به هیچ عنوان آنها را ندیده بودند. آنهایی که با رؤیت حضرت ختمی مرتبت (ص) و صفات پسندیده اش به جهانی بودن رسالت ایشان ایمان می آوردند. با وجود محدودیتهای منطقه ای و جهانی شاهد عالمگیر شدن دین مبین اسلام بودند که ابتدا از مکه شروع شد و سپس در همان صدر اسلام در چند قاره گسترش پیدا کرد.

جهانی سازی به معنای امروزی اصطلاح جدیدی است که از بدنه اسلام فاصله زیادی دارد که بعد از پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق، آمریکا به منظور یکه تازی در جهان اقتصاد، سیاست و... به ترویج آن دامن زده است. البته در این راستا ناگزیر از مذاقه در رابطه مستحکم بین آمریکا و رژیم صهیونیستی هستیم.

۱ - رئیس خبرگزاری حزب اسلامی و عضو پارلمان مرکزی مالزی.

جهانی سازی تسلط نظامی بر کشوری یا کشتن مردم آنجا نیست. بلکه جهانی سازی به معنای تسلط اقتصادی و سیاسی بر کشورهای جهان و انهدام دین و فرهنگ اصیل مردم آن کشورهاست. لذا پیرامت اسلامی فرض است تا اختلافات بی اساس فکری را کنار گذاشته و به نصایح خداوند متعال و آخرین فرستاده اش گوش جان بسپارند. بلکه بدینوسیله بتوانند در یک صف واحد در برابر دشمنان اسلام بایستند. حکومت‌های اسلامی نیز باید مراقب این وبای جدید باشند که حتی تعدادی از غربیها از نظر مصالح مادی ظاهری نیز منکر آن هستند.

اسلام، دین جهانی

آیت الله محمد آصف محسنی^(۱)

آیا اسلام خود را دین همه انسانها می‌داند و یا قوم خاصی و به تعبیر روشن دین اسلام خود را دین همه زمانها و مکانها و همه انسانها می‌داند یا دین جماعت خاصی و زمان معینی و منطقه مخصوصی بوده است؟ در این مقاله مؤلف سعی می‌کند بر این معنا تأکید کند که دین اسلام بر اساس قرآن و سنت دینی است جهانی و جهانشمول. در بخش دیگری از مقاله مؤلف به موانع و مشکلات جهانی شدن دین اسلام می‌پردازد و در پایان راه کارهایی را برای تحقق جهانی شدن دین اسلام به شرح ذیل ارائه می‌دهد:

- ۱- برادری و خواهری انسانها؛
 - ۲- بوجود آمدن حکومت جهانی واحد بدون نزاع و خونریزی؛
 - ۳- انطباق عدالت اجتماعی در زندگانی اجتماعی؛
 - ۴- از بین رفتن استعمار و استثمار؛
 - ۵- از بین رفتن قوم‌گرایی، زبان‌گرایی، کشورگرایی و ملت‌گرایی؛
- (ناسیونالیزم)

۱- عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

۶- برابر شدن همه انسانها با اختلاف زبان، رنگ، نژاد، منطقه و قوم در برابر قانون؛

۷- جلوگیری از تولید اسلحه و به هدر رفتن ثروت انسانی؛

۸- از بین رفتن فقر بوسیله حرمت شرعی، اسراف، تبذیر و انگیزه های اخلاقی و دینی مسئولین در کمک به دیگران.

جهانی شدن (تعریف، تاریخ و مبانی فکری و فلسفی آن)

عثمان رادپتی^(۱)

جهانی شدن، پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییر و تحول بسیاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در عرصه بین‌المللی شده و کشورهای زیادی را به چالش انداخته است.

جهانی شدن پدیده‌ای است که امروزه بسیاری از محافل سیاسی، اقتصادی و بسیاری از مطبوعات را به خود مشغول ساخته است.

جهانی شدن پدیده‌ای است که بر اثر وقوع آن نقش مرزهای جغرافیایی در تصمیم‌گیریها و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حداقل کاهش می‌یابد.

شناخت همه‌جانبه جهانی شدن، مستلزم توجه به ترکیب پیچیده روابط نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و روانشناختی است که برخی از آنها به صورت متقابل تقویت‌کننده یکدیگرند و برخی در جهت مخالف یکدیگر حرکت می‌کنند. در این زمینه باید بر این واقعیت انگشت نهاد که انسانها بر پایه جنس، طبقه، نژاد، ملیت، مذهب و... امکانات نابرابری در دسترسی به فرصتهای جهانی شدن دارند.

۱- دانشجوی دوره کارشناسی فقه شافعی در دانشگاه مذاهب اسلامی.

'جهانی شدن' یعنی به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با دیگر فرهنگها و احترام گذاشت به آراء و نظرات دیگران؛ در صورتی که 'جهانگرایی' به معنای نفی دیگران، نفوذ در دیگر فرهنگها و گویای برخورد ایدئولوژی‌هاست. جهانی شدن در اصل به نفع کشورهای توسعه یافته و سرمایه دار است چون این کشورها به راحتی خواهند توانست کالاهای خود را در کشورهای جهان سوم به فروش برسانند لذا بدین صورت است که کشوری همچون آمریکا از آن حمایت می کند.

جهانی شدن مانند قطاری در حرکت است. باید سوار آن شد. چرا که سوارنشدن به معنی عقب ماندگی بیشتر خواهد بود، و ما می توانیم با فراهم کردن زمینه رقابت در تمامی عرصه های اقتصاد و توجه کافی ما به بومی کردن تکنولوژی وارداتی و عضویت در سازمان تجارت جهانی و از همه مهمتر باور جهانی شدن و پذیرش آن به عنوان یک واقعیت می توانیم بگوییم که باید خود را با جهانی شدن سازگار کنیم. (موافقان جهانی شدن)

جهانی سازی و جهان اسلام

احمد بارگاهی^(۱)

پیدایش وسایل نوین ارتباطی، رواج تفکر پست مدرنیسم، مواجهه بشر با خطرات زیست محیطی فراملی، کمرنگ شدن مرزهای اقتصادی کشوری و در مجموع بحث جهانی شدن را به بحث روز تبدیل کرده است. با این حال هنوز زوایای مختلف جهانی شدن که قطعا در آینده روشن خواهد شد، مشخص شده است و در این تعامل بحث یکسان سازی در مقابل بحث یکپارچه سازی جهان مطرح شده است. بعضی ها تصور می کنند که جهانی شدن یعنی همین شبیه سازی یعنی جهان به یک شکل واحد در آید اما باید اذعان کرد سیاست شبیه سازی نه در گذشته جواب داده است و نه الان قادر به جواب دادن خواهد بود. اما نگرش دیگر یکپارچه سازی که گفت و گوی تمدنها نیز در راستای آن است جوابگو خواهد بود.

دولت ها قبل از آغاز فرایند جهانی شدن تنها بلندگوی جامعه را در دست داشته و از طریق آن دیدگاههای خود را بر جامعه فاقد بلندگو تحمیل می کردند اما امروز باید دیدگاههای فراخور تمام انسانها و جوامع بشری ابراز دارند که در این زمینه جهان بینی و دیدگاههای اسلامی مبتنی بر احوال تمام بشر در تمام جوامع خواهد بود.

پدیده جهانی شدن سبب توجه جهانی به اقلیتها و قومیت های مختلف در هر گروه و همه جوامع جهان شده است. این اقلیتها و قومیت ها اعم از اقلیتهای مذهبی، نژادی، زبانی، و غیره مورد توجه و همدردی جامعه جهانی اند. در دنیای امروز سرمایه، فن آوری، رسانه های جهانی شده بیش از هر عامل دیگر گستره و میدان فعالیت دولتهای ملی را تحت تأثیر قرار داده است. رسانه های جهانی شدن فرهنگ باتوجه به روند فزاینده پیشرفت، تکنولوژی ارتباطات موضوع "جهانی شدن فرهنگ" جزو مباحث اساسی بشر برای سالهای آینده باقی خواهد ماند. در چنین شرایطی هیچیک از کشورهای موجود در نظام بین الملل قادر نخواهد بود که به طور مطلق خود را از تأثیرات و پیامدهای "گلوبالیزم" به دور نگه دارند. افکار و عقاید براحتی در دورترین نقاط دنیا انتشار می یابند و بر اندیشه های مقابل تأثیرگذارده و از آنها تأثیر می پذیرند. مرزهای جغرافیایی کارکرد سابق خود را در این زمینه از دست داده اند. از این رو شرایط برای شکل گیری فرهنگی جهانی بیش از پیش مهیا شده است.

همچنین این تصور که روند جهانی شدن فرهنگ به حاکمیت سلطه فرهنگ غربی خواهد انجامید نیز بیهوده است. البته این حقیقت قابل انکار نیست که این کشورها به واسطه بهره مندی از توان اقتصادی و تکنولوژیکی برتر، در فرآیند جهانی شدن بازیگرانی فعال و مؤثر محسوب می شوند. اما ذکر این نکته بنیادین حائز اهمیت است که هر فرهنگی هر اندازه که شکوه و عظمت داشته باشد نمی تواند فرهنگهای دیگر را از صحنه هستی پاک کند.

بنابراین چنین تصویری که فرهنگی خاص (مثلا غربی) بتواند حاکمیت مطلق داشته باشد دست نیافتنی است. تا هنگامی که آدم ها و مکانها با هم تفاوت دارند و تاریخ و تجربه آنها از هم جداست فرهنگ نیز گوناگون خواهد بود. فرهنگ بیش از آن که به نظم جهانی وابسته باشد به انسان مربوط است و

انسانها با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین چاره ای جز پذیرش چندگونگی فرهنگی نیست.

با همه اینها جهانی سازی به عنوان پدیده ای جدید و نو از راه می رسد و این پدیده نو آثاری بر فرهنگ خواهد گذاشت. انسان نمی تواند اسیر یا محصول فرایند فرهنگ خود باشد، زیرا اکنون به گونه ای آسان و بی سابقه از فرهنگهای دیگر آگاه می شود و این معامله ای نوین است.

گفت و گوی میان فرهنگ ها که از جهانی شدن منبعت می گردد، تمامی جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است، زیرا از این پس انزوا (و تا حدی) بی توجهی به دیگری امکان پذیر نمی باشد. جهانی شدن نشان می دهد که چگونه فرهنگ های مختلف عناصر خاصی را که در بادی امر تعلق به هیچ قطبی ندارند برمی گزینند و به آنها معنا می بخشند و بدین وسیله آگاهی فرد را از تفاوت او با دیگران شدت می بخشد.

مسلمانان جهان باید نقش خود را در شکل گیری مطلوب تر فرآیند جهانی شدن گسترش دهند و با سلطه ای بلامنازع غرب بر جهان، مقابله کنند.

دین و جهانی شدن (بررسی مبانی و لوازم)

دکتر بیوک علیزاده^(۱)

جهانی شدن، بدیل فارسی واژه انگلیسی Globalization و واژه فرانسوی Mondialisation است. پژوهشگران عرب زبان، واژه 'العولمه' را برای اشاره به پدیده جهانی شدن بکار می‌برند. تعریف اصطلاحی globalization و globalism برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ میلادی در فرهنگ و بستر ارائه شد. مفهوم جهانی شدن از دهه ۸۰ به این سو اعتبار و روایی علمی پیدا کرده است. globalization اسم مصدری است که هم و معنای لازم دارد و هم معنای متعددی؛ از این رو می‌توان هم تعبیر جهانی شدن را در ترجمه آن بکار برد و هم تعبیر جهانی سازی.

بیش از هر نوع نسبت سنجی میان دین و جهانی شدن لازم است تعریف روشنی از جهانی شدن به دست داده شود. مراد از جهانی شدن می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱- ممکن است مراد از جهانی شدن وصفی باشد که امروزه جهان بشری را می‌توان به آن متصف کرد؛ تعبیر 'دهکده جهانی' با ملاحظه چنین وصفی به جهان کنونی اطلاق شده است. این توصیف از وضعیت جهان امروز در پرتو گسترش وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها و از بین رفتن محدودیت‌های قومی، نژادی، اقلیتی و جغرافیایی و فرو ریختن مرزها، به عمل آمده است.

۱- مدیر گروه فلسفه و رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع).

۲- ممکن است مراد از جهانی شدن این باشد که تفسیر معینی از عالم و جایگاه انسان در آن (جهان‌نگری خاص) و همین‌طور مشی عملی و شیوه زندگی مشخصی از چنان عمومیت و شمولی برخوردار شود که همه انسانهای کره زمین را دربرگیرد.

۳- ممکن است مراد از جهانی شدن این باشد که نظام سیاسی واحدی از عمومیت و شمول جهان‌گستر برخوردار شود.

۴- و بالاخره ممکن است مراد از جهانی شدن این باشد که مدل اقتصادی معین و نظام اقتصادی و احاد بر جامعه جهانی حاکم شود.

پرسشهایی که در این مقال در پی پاسخ یابی به آنها هستیم، عبارتند از:

الف) آیا جهانی شدن به این معنا که تفسیر معینی از عالم و آدم مقبولیت و روایی عام پیدا کند و مشی عملی و شیوه زندگی مشخصی از چنان عمومیت و شمولی برخوردار شود که همه انسانها را در برگیرد، امکان وقوعی دارد یا نه؟
ب) و اگر چنین چیزی امکان پذیر است آیا از مطلوبیت لازم هم برخوردار است یا خیر؟

ج) آیا جهانی شدن یک پروسه است یا پروژه؟ و به سخن دیگر آیا جهانی شدن با تصمیم و فعالیت عالمانه و عامدانه کسان یا گروههایی، در حال تحقق و واقع شدن است یا فرایندی است که به صورت طبیعی و جبری بدون تلاش و کوشش آگاهانه کسان یا گروههایی در حال ظهور و پیدایش است؟

د) ربط و نسبت دین به معنای عام با جهانی شدن چیست؟

ه) دین اسلام در خصوص پدیده جهانی شدن چه دیدگاهی را ارائه می‌دهد و نسبت به آن چه موضعی دارد؟

و) روند جهانی شدن در مجموع به سود دین است یا به زیان آن؟

فهرست اجمالی مطالب مقاله

- ایضاح مفاهیم مأخوذ در عنوان بحث: الف) دین ب) جهانی شدن
- مبانی جهانی شدن: الف) مبانی انسان شناختی ب) مبانی معرفت شناختی ج) مبانی همت شناختی
- رابطه دین و جهانی شدن
- موضع اسلام نسبت به مسئله جهانی شدن
- نتایج و لوازم جهانی شدن
- نتیجه گیری و توصیه

جهانشمولی اسلام هماهنگی با فطرت انسانی

مجتبی اعتمادی نیا/ احسان احمدی/ ابوالفضل تاجیک^(۱)

مفهوم 'جهانشمولی اسلام' که تاکنون عمدتاً با تکیه بر مؤلفه های سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی به شرح و توضیح آن پرداخته شده است، از درون مایه ای عرفانی و روحانی شکل یافته که متأسفانه اغلب پژوهشگران و نظریه پردازان، فارغ از علت غایی، تنها با دقت نظر بر نتایج و ابعاد آن علت بنیادی، از هدف نهایی و ذو ابعاد جهانشمولی اسلام (در اکثر موارد) غافل مانده اند. این درون مایه عرفانی که آشکارا برخاسته از فطرت حقانی انسان کمال جوست، در ارتباطی تنگاتنگ با گرایش حقیقت خواهی و تعالی انسان، جهانشمولی حقیقت است در عالم انسانی که به اشاره لطیف 'فطرالناس علیها' مشترک معنایی است در نهاد همه افراد نوع انسانی.

فطریات نیز در جمیع سلسله بشری، مورد اتفاق نظر و پذیرش بوده، از هیچ مذهب، محیط و اخلاق بشری (فی الواقع) تأثیرپذیر نخواهد بود. از اینرو طبقه بندی های عقل جزوی موجب خدشه دارشدن این امور نخواهد شد. ادیان الهی نیز همه در سرچشمه خود، مقدس اند و پاک، چرا که سر برآورده از فطرت نفخی انسانند، اما این سرچشمه های زلال، آنگاه که به جوامع کثرت گرای بشری که بر اساس عقول جزوی اداره می شود، می رسند، آلوده و ناپاک می گردند.

۱ - دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی.

شاید سبب اعجاب گردد که اصول سه‌گانه مشترک میان ادیان و مذاهب همان اصولی است که در اسلام با عنوان "اصول دین" از آنها یاد می‌شود. اسلام که مظهر فطرت پاک و ذات زلال انسان متکاملی چون پیامبر اکرم (ص) است، مکتبی است که از سرچشمه مشترک همه ادیان توحیدی سربرآورده است، بنابراین همه نیازها، عشق‌ها و کمالات مکاتب دیگر را ذاتاً و بر اساس فطرت مسبوق، درک می‌کند و روح بلندش نسبت به همه این امور شاهدهی است با بصیرت، پس نقاط قوت و اقتدار مذاهب و ادیان گوناگون را می‌شناسد و جریان زلال معارف حکیمانه ادیان دیگر را در بحریکران وجودش جای داده، تشنگان حقیقت و جویندگان وصال را سیراب می‌سازد.

این مقاله با ارائه تعاریف معارفی از "اسلام" با صرف‌نظر از تعاریف کلامی، اسلام ناب و حیاتی (در برابر اسلام مبتنی بر تفسیر به رأی) را ملایم فطرت الوهی همه بشر دانسته، جهانشمولی اسلام را تنها بر این بنیان مرصوص استوار می‌داند که البته ثمرات و نتایج این جهانشمولی عرفانی، ابعادی نظیر فرهنگ، اجتماع، سیاست و جغرافیا را نیز در بر خواهد داشت.

و بدین ترتیب شمول جهانی اسلام که ناشی از شمول حقانی آن بر هستی افراد نوع انسانی است، در نگاهی عرفانی، کاملاً بواسطه مقام جمع‌الجمعی پیامبر این آیین آسمانی، رسول مکرم اسلام (ص) است. چنانکه ایشان به واسطه مقام مظهریت اسم جامع خداوند، مضاف به دارا بودن مقام خاتمیت قدسی، متولی تأسیس مدینه فاضله بشری نیز می‌باشند. از اینرو معارف اسلام اصیل، بواسطه جامعیت پیام آور خود، صاحب شمولی جهانی در همه ارکان تأسیس و شکل‌گیری مدینه فاضله انسانی است.

جهانی سازی و اخلاق

دکتر وهبه الزحیلی^(۱)

سپاس خدایی که اسلام را رحمتی برای جهانیان قرار داد و سلام و درود بر آخرین پیامبر و فرستاده الهی و برخاندان و یاران او که لشکریان حق و نیکی تا روز قیامتند.

کار زار میان حق و باطل میان خیر و شر میان گشایش و انسداد و میان قدرت و ضعف، کارزاری کهنه در ژرفای تاریخ بشمار می رود که بسته به فرصت ها و مناسبتها و شرایط، گاهی شدت می گیرد و گاهی نیز به ضعف می گراید از آنجا که مسلمانان از آغاز طلوع خورشید اسلام در بیش از چهارده قرن پیش همواره نماد حق و ایمان و هدایت و نور و نیکی و فضیلت و اخلاق و مقاومت در برابر اشکال گوناگون کفر به شمار رفته اند همیشه و تا به امروز، هدف اصلی پیروان باطل و گمراهی و سردمداران شهوت و هوس و سلطه جویی و شر و کسانی قرار دارند که به ارزشها پشت پازده و در پی سرکوب انسانیت و وجود انسانی هستند.

یورش خصومت آمیز نسبت به اسلام و مسلمانان در شرایطی که این جنگ ستمگرانه یعنی نخستین جنگ قرن بیست و یکم از سوی نیروهای شر و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا - که اینک یکه تاز جهان تک قطبی شده است - اعلام می شود شدت بیشتری پیدا می کند. در تحمیل این جنگ بهانه های واهی از جمله مقابله با تروریسم بین المللی مطرح می شود حال آنکه

۱- استاد دانشکده شریعت دانشگاه دمشق.

درحقیقت برنامه های شوم آن ، ضربه زدن به سنگرهای اصلی اسلام و نیروهای اقتصادی و اجتماعی آن و مهمترین آنها عربستان سعودی و همسایگان عرب آن است که این تجاوز با افغانستان به عنوان حلقه ضعیفتر در این زنجیره توطئه ها ، آغاز می شود تا استکبار موقعیتی استراتژیک و حیاتی برای خود در منطقه دست و پا کند و با پوشش یک دولت افغانی و در حقیقت امریکایی بر نفت دریای خزر چیره شود و آنگاه به طور کلی از نفت اعراب بی نیاز گردد ، پیش از این نیز توطئه ها علیه کشورهای جنوب شرق آسیا به ویژه اندونزی و مالزی صورت گرفته و کشور های یاد شده به لحاظ اقتصادی تضعیف شده بودند .

جهانی سازی که در برنامه های آمریکا از نیمه دوم دهه هشتاد آغاز شد تنها چتری جدید و پوششی تازه برای سلطه قدرتمندان بر ضعیفان و شکل نمود نوینی از استعمار اقتصادی و علمی و جدید ترین چهره نظام سرمایه داری جهانی است که تنها در خدمت منافع قدرتهای سرمایه داری اعم از کشورهای نهادها و شرکت های بزرگ است ، پدیده جهانی سازی ، مفهوم ملت ها را در می نوردد و در پیشاپیش چنین حرکتی امریکا و شرکای آن قرار دارند که مدعی اند بمثابة پیروزی و تحقق دموکراسی همچون یک نظام جهانی است . هزاران هزار از مردم سر تا سر جهان به مناسبت برگزاری نشست سالانه کلوپ اقتصاد جهانی که در اول تا چهارم فوریه ۲۰۰۲ در نیویورک برگزار شد علیه جهانی سازی اقدام به تظاهرات کردند .

استعمار مادی قدیم سپس استعمار نوین که همواره و با ایجاد رژیم های طرفدار امریکا یا غرب در پی دخالت در امور جهان رو به توسعه یا عقب مانده و نیز سعی در تسلط بر آنها را داشته در کنار پدیده جهانی سازی همه و همه ، سیلی های درد ناک و ضربات مهلک بر تمام آن چیزهایی است که اخلاق والا و منافع ملی نامیده میشود چرا که جهانی سازی در واقع به معنای چیرگی کشورهای بزرگ و ثروتمند بر کشورهای فقیر و یا کوچک و نیز کوشش در

راستای سلطه تدریجی بر آنها از طریق حضور در گروه بندیهای اقتصادی در آمریکای شمالی و جنوبی شامل کانادا و مکزیک و مجموعه اقتصادی کشورهای آسیایی و نیز باشگاه کشورهای دریای مدیترانه و سازمان تجارت جهانی با بیش از یکصد و چهل کشور عضو و نیز سازمان «گات» (موافقتنامه تعرفه و تجارت عمومی) که در آن بیش از ۷۰ کشور در فراهم آوردن و امکان سرمایه گذاری و خدمات مالی با یکدیگر همکاری دارند و ۹۵٪ فعالیتهای بانکی و شرکتهای بین المللی و اوراق مالی در جهان ، در بازارهای آنها گردش می کند.

بنابراین جهانی سازی چیزی جز رواج بخشیدن به پدیده اقتصاد بازار آزاد در پی فروپاشی سوسیالیسم در روسیه و اروپای شرقی و نیز برقراری یک نظام جهانی تک قطبی به رهبری ثروتمندترین و نیرومندترین کشور دنیا یعنی آمریکا است که بخش اعظم قدرت اقتصادی مربوط به شرکتهای فراملیتی ، متعلق به آنست .

این پژوهش مفاهیم زیر را مورد بحث قرار می دهد : مفهوم جهانی سازی ، انواع ، نمودها و ابزارهای آن مهمترین تفاوتهای موجود میان جهانی سازی و جهانشمولی ادبیات غربی جهانی سازی ادبیات اسلامی جهانی سازی چگونه با جهانی سازی یا آمریکایی سازی مقابله کنیم ؟

جهانشمولی اسلامی و جهانی سازی معاصر

محمد المختار السلامی^(۱)

بشریت در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود با دو آیینی روبرو بوده که هرگز ماندنی برای آنها سراغ نداشته است، یکی آیینی الهی است که از سوی خداوند متعال بر قلب خاتم پیامبران نشست تا همچون پیامی مژده بخش و هشدار دهنده و فراخوان به سوی خدا و چراغی تابناک برای جهانیان باشد. این آیین با استفاده از اصول روشن و قاعده های ثابت، مسائل انسان و روابط او را با هستی و ارتباط هستی رابا او و نیز پیوندهای این دو را با آفریدگار، سامان می بخشد. این آیین تاکنون به مدت چهارده قرن و یک سوم قرن عمر داشته و "اسلام" نام دارد. دیگری آیین نوینی است که از روح تمدن معاصر نشأت یافته و پس از دگرذیسی هایی که سرانجام آنرا به مدرنیسم رسانیده است اینک به جهانی سازی منجرگشته است. هر دوی این آیین ها، در یک جنبه مهم مشترکند و آن اینکه خطابشان به عموم بشریت است و هر کدام از آنها در پی گرد آوردن بشریت زیر پرچم خویش است، در این راستا در مسیری که ویژه آنهاست به راه خود ادامه می دهند. از آیین نخست (یعنی اسلام) این همگانی بودن و همه شمولی، هم از این نظر است که مشتمل بر انسان و هستی و موجودات هستی اعم از جانوران و گیاهان و زمین و آسمان و ستارگان و کهکشانها و آفریده های دیدنی و نا دیدنی است که در پی همپیوندی

۱- محقق و پژوهشگر از کشور تونس.

آنها با یکدیگر بر آمده و براساس معیار یگانه و عدالت گونه ای که هرگز نه تحت تاثیر منافع شخصی قرار می گیرد و نه شرایط زمانی در آن کارساز است و نه بالاخره قدرتهای مبتنی بر زور و متکی بر هواهای نفسانی می توانند بر آنها سایه افکنند. چنین معیاری برخاسته از اصول و بنیادهای است که آفریدگار جهانیان آنرا مقرر داشته و تحقق بخش اراده الهی در تمامی هستی است و هم شامل همه زمانها و مکانها می گردد. ویژگی های یادشده نیز با در نظر گرفتن تعبیرهای قرآنی : ((رب العالمین)) (پروردگار جهانیان) و نیز ((وما ارسلناک الا رحمه للعالمین)) (ترا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم) و گذاردن این دو تعبیر در کنار یکدیگر، قابل نتیجه گیری هستند.

ابن عاشور (رحمة الله علیه) می گوید : خداوند متعال تنها شریعت اسلام را به رحمت کامل، توصیف کرده و این تنها شریعت و آیین اسلام است که برشالوده های رحمت و مهربانی و سادگی استوارگشته است. حتی قصاص و حدود نیز در حقیقت، رحمتی برای جهانیان است تا در زندگی، امنیت داشته باشند و امنیت نخستین شرط توفیق در کسب جانشینی خدا بر روی زمین است. رحمت و عطف این آیین شامل حیواناتی که خداوند آنها را در اختیار انسان گذارنده نیز می گردد چرا که اجازه آزار و شکنجه آنها به انسان داده نشده است و پیروان این آیین، مهرورزی و رأفت در حق حیوانات را راهی در جهت جلب خشنودی آفریدگار جهانیان تلقی می کنند.

سید قطب می گوید : (خداوند آیینی دائمی و جاودان برای زندگی متحول انسان در نظر گرفته و استنباط احکام جزئی و فرعی زندگی روبره توسعه و سیر تحویل خود و نیز ابزارهای استنباط و وسایل اجرای آنها را بسته به شرایط و مقتضیات زندگی و بی آنکه برخوردی با اصول دائمی و پایدار آیین داشته باشند، به خودش یعنی انسان واگذار کرده است ؛ آیینی است متعادل و هماهنگ که نه جسم و تن را به زیان روح و جان آزار می دهد و نه روح را در راستای ارزشهای جسمانی، نادیده می انگارد .

این آیین هیچ بر خوردی با توانایی های فردی و خواسته های فطری و پاک او ندارد و در عین حال هرگز فرد را باهوسها و شهوت های طغیانگرش آزاد و رها نمی گذارد. این آیین رحمتی برای قوم خود واقوام پس از آنها بود و بشریت نیز اندک اندک به گستره های این آیین و اصول آن نزدیک می شود و آنها را هرچند با نام و عناوین دیگری ، به مورد اجرا می گذارد.

آیین دوم نام خود را جهانی سازی نهاده که برگردانی از واژه انگلیسی globalization و در پیوند با تمامی کره زمین است . این آیین محصول پیشرفت های علمی و فن آوری های است که فاصله ها را به شدت نزدیک ساخته و ای بسا از میان برداشته و اندیشه ها و صحنه ها و حوادث را به همه جا انتقال داده است . شمال و جنوب و شرق و غرب را به یکدیگر پیوند داده و بد آنجا رسیده که همه ساکنین کره خاکی تقریباً همزمان در جریان یک اتفاق یا صحنه یا حادثه و خبر قرار می گیرند و اطلاعات و اخبار به ساکنین شهر ها و روستاها و دشتها و صحراها در یک زمان می رسد اصلی که مفهوم جهانی سازی بر آن استوار است ، امکانات و توانایی های علمی و فن آوری است که افراد بشر را به یکدیگر نزدیک ساخته است . پیامد این نزدیکی نیز توان فرایندهم دلی و همکاری میان آنها در عرصه اقتصاد و مبادله منابع و اطلاعات و شناخت هایی است که باعث می گردد اطلاعات و داده ها روز به روز با سرعت بالاتری همگانی می شوند و نیز در فرهنگ و شیوه های زندگی و از آنجا در سیاست از طریق کاهش موانع و مرزهای میان کشورها و نیز کاهش کارایی دولتها در شکل دهی به افکار عمومی و خارج گشتن مردم از سلطه سانسور رژیمها و نیز بیرون آمدن آنها از مواردی است که بیش از جهانی سازی در ید قدرت رژیمها بود. این پیامدها باعث گشته که سیاست های محلی تعیین کننده افکار عمومی و از آنجا گزینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بر خاسته از آن در جهت اجرای آنها باشد .

جهانشمولی و جهانی سازی

آیت الله محمدعلی تسخیری^(۱)

۱- اوضاع طبیعی جهان از نظر اسلام هنگامی به سامان است که نظامی همه جانبه و جهانی با رهبری و قانون واحد و الهی بر آن حاکم باشد. در بعد واقعی نیز وضع طبیعی جهان زمانی است که قانون و سازمان بین الملل واحدی و در بستری از تعامل همه فرهنگها که اینک برای بشریت به ضرورت تبدیل شده است، حاکمیت داشته باشد.

۲- در روابط با دیگران نیز مصالح عالییه اسلام و نیز رعایت ملاحظات محبت آمیز انسانی و نیز اخلاق اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، رعایت اصول گرایی، نفی سلطه، عدالت، احترام به پیمان ها و جهاد باید از جمله عناصر مهم در مرزبندی باشد.

۳- در میان سه نظام موجود: اسلام، سوسیالیسم و سرمایه داری، اسلام بر خلاف نظر بسیاری از خاور شناسان بیش از نظام های دیگر، داعیه جهانی بودن دارد. ادعاهای جهانی بودن سرمایه داری در بهترین حالت، در مورد قرن بیستم می تواند تا حدودی صحت داشته باشد که به ویژه در اواخر قرن، مفاهیم جهانی سازی و جهانی شدن در آن مطرح گشته است.

۴- جهانی سازی از تعریف مبهم و در عین حال متنوعی برخوردار است. و می توان جهانی سازی را کوششی در راستای نفی تمدن های غیر غربی و تحمیل سرمایه داری و تلاشی در جهت امریکایی سازی و تسلط بر جهان

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

دانست. کمیته بین‌المللی در سال ۱۹۹۵، جهانی سازی را درهم آمیزی اقتصاد، جامعه شناسی، سیاست، فرهنگ و رفتارها از طریق نفی مرزها و حذف پیوستگی های ملی و اقدام های دولتی، تعریف کرده است.

«روزناو» امریکایی نیز بر آنست که در جهانی سازی، مرزها را باید حذف کرد و شباهت جوامع بزرگ به یکدیگر و بالاخره تحمیل زندگی جوامع بر دیگران را در نظر گرفت.

در نتیجه می توان گفت که جهانی سازی در واقع تلاشی برای امریکایی کردن روابط سیاسی، حقوقی و اجتماعی در سطح جهان و تحمیل فرهنگ مسلط بر غرب در جوامع دیگر است و عرصه های اطلاعات، اینترنت و ماهواره ها و نیز در اختیار گرفتن سازمان های بین‌المللی را در بر می گیرد.

۵- پیامدهای منفی جهانی سازی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

سلطه آمریکا، دخالت در قانونگذاری کشورهای دیگر، تسلط قدرت های بزرگ بر روند اقتصاد جهانی و منابع تولید و مبادلات مالی و...، کم رنگ ساختن محافل بین‌المللی و سوء استفاده از آن ها در جهت سیاست های خود، تحقیر کشورهای کوچک، شبیخون فرهنگی سراسری در ریشه کن ساختن فرهنگ های دیگر، آلوده سازی محیط زیست، ایجاد تغییرات نقشه سیاسی کشورهای مناطق مختلف و...

۶- امت اسلام در برابر روند جهانی سازی اقداماتی باید انجام دهد که عمده ترین نکات آن بدین قرار است: افشای ماهیت ایدئولوژیک سلطه آمریکا، حذف تسلط بر بازار، گسترش گفتگوی تمدنها، ارج نهادن بر هویت فرهنگی - اقلیمی، افزایش توان علمی و صنعتی ملت ها و نیز قدرت بخشیدن به سازمان بین‌المللی و تحکیم استقلال آنها.

قرآن، جهانی شدن و هویت مجازی

سیدحسین عصمتی^(۱)

جهانی شدن^(۲) یکی از جریان‌های فکری عصر مدرنیته و نوآوری است که در سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ، موجهای پرتلاطمی را به راه انداخته است و بسیاری از 'بوم‌های فکری جوامع بشری را به چالش کشانده است و بر اساس قانون 'طرفهای مرتبط' این جریان هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه، به گونه‌ای تأثیر گذار بوده است.

آنچه در این نوشتار خواهد آمد دیدگاه نویسنده آن در به تصویر کشیدن فهم خویش از برخی آیات قرآن کریم پیرامون چگونگی رویکرد اندیشمندان معاصر، بلکه معتقدان به الهیات جهانی^(۳)، در برابر پدیده 'جهانی شدن' و 'هویت' آنهم در حوزه فرهنگی آن، به ویژه فرهنگ دینی است.

برخی از محققان تشکیل فرهنگ جهانی را از آرمانهای لیبرالیسم می‌دانند که امکان تحقق آن با 'پلورالیسم دینی' بیشتر است.^(۴)

انسان عصر خویشتن بودن از آموزه‌های فکری مهمی است که دین مبین اسلام انسان را به آن توجه داده است. قرآن کریم علیرغم اصالت بنیادینی که دارد، از تازگی و طراوت همیشگی برخوردار است.

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) و کارشناس مسئول مطالعات اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

2_ Globalization.

3_ Universal theology.

4_ religions culture.

انسان معاصر به ویژه پیروان قرآن کریم، در عصری زندگی می‌کنند که پدیده‌های فکری جدید آنها را احاطه کرده است و در بسیاری از زمینه‌ها ایشان را دچار چالش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نموده است. از این پدیده‌های فرهنگی معاصر، پدیده و فرآیند 'جهانی شدن' و 'هویت مجازی' که از پیامدهای عصر مدرنیته و پیشرفت رسانه‌های ارتباطی است، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مقاله که روش توصیفی - تحلیلی را دنبال می‌کند، در پی آن است تا فهم نگارنده را از برخی آیات قرآن کریم پیرامون دو پدیده فوق‌الذکر ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، جهانی شدن، هویت مجازی، انسان معاصر، فرهنگ دینی.

چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بوی سود

غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد

(حافظ)

فصل دوم:

راهکارها برای جهان اسلام

دین جهانی شدن: فرصتها و چالشها

دکتر محسن الویری^(۱)

اکنون همه پذیرفته‌اند که پدیده جهانی شدن یا جهانی سازی دیگر محدود به حیطه‌ای خاص نیست و همه ابعاد زندگی بشر را در بر می‌گیرد. مواجهه این پدیده با دین^(۲) چگونه است؟ چه پرسشهایی را در برابر دین قرار می‌دهد؟ چه چالش‌هایی را برای دینداران پدید می‌آورد؟ کدام گره‌ها و یا گشایش‌ها را ایجاد می‌کند. پاسخ به این پرسش‌ها که یکی از مهمترین دل مشغولیهای اندیشه‌وران دینی و انانی است که می‌خواهند دیندارانه زندگی کنند، موضوع این مقاله است.

با توجه به تعاریف دین و گونه‌شناسی مسائل و حوزه‌های مختلف آن دین را می‌توان در دو ساحت متفاوت در نظر گرفت: ساحت قدسی که شامل آموزه‌های وحیانی در حوزه اندیشه و رفتار است و ساحت عرفی که شامل باورها، ارزشها، هنجارها، نهادها و شیوه‌های زندگی دینداران است. دین در ساحت نخست در حوزه مطالعات دین پژوهی (وحی پژوهی) قرار می‌گیرد و در ساحت دوم در زمره مطالعات جامعه‌شناختی. جهانی شدن هر دو ساحت دین و دینداری را به صورت مستقیم و غیر مستقیم به چالش می‌کشانند. می‌توان چالشهای ناظر به جنبه‌های وحیانی را چالشهای نظری نامید و

۱ - عضو هیات علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) و مدیر گروه

تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی.

۲ - مراد از دین در این مقاله، دین اسلام است.

چالشهای ناظر به تحقق بیرونی دین را چالشهای عینی و بیرونی در مواجهه مستقیم جهانی شدن با دین، پاره‌ای از پرسش‌ها و چالشهای نظری که در برابر دین (حیطه نخست) قرار می‌گیرد چنین است: ضرورت و امکان حرکت جهان بشریت به سمت یکپارچگی؛ امکان و چگونگی سخن گفتن از یک نظریه دینی درباره جهانی شدن؛ جایگاه خدا در جهان جهانی شده؛ چگونگی تطبیق دین با شرایط جدید؛ ویژگیها و بایستگیهای رفتار دینی در جامعه جهانی؛ ضرورت و امکان همسان سازی شعائر و رفتارهای دینی نزد پیروان ادیان مختلف و مانند آن. برخی از چالشها و پرسشهای مربوط به جنبه عینی و تحقق اجتماعی دین (حیطه دوم) نیز چنین است: شکسته شدن اقتدار دین تحت تأثیر اقتدارشکنی به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیامدهای جهانی شدن؛ سست شدن هویت دینی و مذهبی تحت تأثیر هویت‌زدائی ناشی از جهانی شدن؛ سیطره عرف‌گرایی (سکولاریسم) و با خطر مواجه شدن حرکت فزاینده و دین مدارانه سکولاریسم‌زدائی در دهه‌های اخیر؛ کاهش نقش رسانه‌های سنتی دینی؛ مسائل مربوط به تطبیق‌پذیری نهادهای دینی با شرایط جدید؛ امکان غرق شدن دینداران در دنیایی مبهم و پرهیاهو به گونه‌ای که تا مدتها بعد تصوری درست از شرایط جدید وجود نداشته باشد به ویژه با توجه به تجربه چند قرن اخیر کشورهای اسلامی و شرقی که هر چه از جانب غرب به آنها رسیده بیش از آنکه گرهی از آنها بگشاید بر مشکلاتشان افزوده است.

جهانی شدن به صورت غیر مستقیم نیز دین را به چالش می‌خواند. دین - به ویژه بر پایه اعتقاد به جامعیت آن - دارای کارکردهایی متنوع است و با اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی و به ویژه فرهنگ مرتبط است و با توجه به تأثیرپذیری همه این حوزه‌ها از جهانی شدن، دین نیز به صورت غیر مستقیم و از طریق این حوزه‌ها رویارویی با جهانی شدن را تجربه می‌کند. افزون بر این اندیشمندان و رهبران و متولیان امور دینی نیز به عنوان هویت فردی خود

تأثیرپذیریهای از جهانی شدن دارند که به نوبه خود بر مسائل مربوط به دین اثرگذار است.

در کنار این چالشها، جهانی شدن فرصتهایی را نیز در برابر دین و دین‌داران قرار می‌دهد که اهم آنها عبارتند از: ضعف تئوریک پشتوانه‌های نظری جهانی شدن به صورت کنونی و فراهم آمدن فرصت و فضا برای ایجاد یک نظریه جدید دین محور در این باره؛ ابهام در قالب، محتوا^۱ و گفتمانهای جهانی شدن و امکان طرح گفتمانی دینی در این باره در کنار گفتمانهای تمدنی و ایدئولوژیک و منطقه‌ای و مانند آن؛ فراهم آمدن ظرفیتی نوین و فراخ برای دین برای جهانی ساختن گستره مخاطبان خود با توجه به امکان بهره‌گیری از وسائل جدید ارتباطی و نیز تشنگی جهانی برای معنویت و توأمندیهای دین برای هویت‌بخشی نوین فراتر از منطقه و ملت و زبان و قوم خاص و گسترش دلسردی از ناکارآمدیهای ایدئولوژی لیبرال دمکراسی؛ فراهم آمدن زمینه تجلی توانائی بدیل ناپذیر همه ادیان برای بسیج حق طلبانه توده‌های مردم. شناخت ژرف این چالشهای و فرصتها، گام نخست مواجهه بایسته اندیشه‌وران دینی با پدیده جهانی شدن است.

۱ - جهانی شدن یک قالب است و افزون بر ابهام در باره چند و چون این قالب، در باره محتوا آن نیز نظریه روشنی وجود ندارد.

جهانی شدن و ایران: بایدها و نبایدها

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی^(۱)

دولتها در یک محیط بین‌المللی قرار گرفته‌اند که تغییرات در آن محیط می‌تواند بر سرنوشت آنها تأثیر گذار باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر دولت دیگر، نمی‌تواند بی‌توجه به محیط بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی) به حیات خود تداوم بخشد. جهانی شدن یا جهانی کردن فرآیندی است که موجب تغییرات محیطی در سطح جهانی به شکل عظیم شده است. بدیهی است فهم این تغییرات یک ضرورت است و موضع‌گیری در مورد آنها سرنوشت آینده کشورها و دولتها را تعیین می‌کند. دولتها یا در مقابل این فرآیند به مقاومت می‌پردازند یا سعی می‌کنند خود را با استلزامات آن منطبق سازند. از این رو، جهانی شدن و پیامدهای آن مساله‌ای است که باید شناخته شود. هر چه فهم یک دولت مانند ایران از این موضوع شناسی کاملتر باشد، بهتر می‌تواند با اتخاذ استراتژی‌های درست، بقاء خویش را تضمین نماید.

این مقاله طبعاً نمی‌تواند به همه جنبه‌های پیامدهای جهانی شدن برای ایران بپردازد. به عبارت دیگر از آنجا که جهانی شدن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی، محیط نوین و پویایی را موجب می‌شود، بررسی آن و تحلیل پیامدهایش برای ایران در یک مقاله میسر نیست. از این رو در این مقاله با طرح این پرسش اصلی که ایران در دنیای جهانی شده چه باید انجام دهد،

۱- استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

این گونه فرضیه‌سازی می‌کنیم که برای حفظ بقاء ایران در دنیای جهانی شده، ارایه تعریفی مشخص از منافع ملی و امنیت ملی که بیشتر وجه انسان داشته باشد، یعنی منافع ملی اسلامی - دمکراتیک و امنیت انسانی - امری ضروری می‌نماید.

بدین ترتیب، برای پاسخ به پرسش مذکور نخست سعی می‌نماییم جهانی شدن را بهتر بشناسیم. دوم به مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن برای ایران اشاره می‌نمائیم. سوم و آخر این که باید‌ها و نبایدهای ایران در دنیای جهانی شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

وضعیت انسان مسلمان در جهان معاصر

(بررسی وضعیت مسلمانان در مقایسه با پیروان سایر ادیان)

دکتر مهدی محسنیان راد^(۱)

در این مقاله، بر اساس گزینش یکی از سه تعریف عملیاتی از انسان مسلمان، وضعیت مسلمانان جهان بر اساس برخی مشخصه‌های جمعیتی در حال و آینده و همچنین جایگاه توسعه یافتگی و برخی از علل آن در مقایسه با سایر ادیان بررسی خواهد شد.

مقاله نشان خواهد داد، در حالیکه سهم مسیحیان و بودائیست‌های جهان طی ۵۰ سال آینده روبه کاهش است (به ترتیب از ۲۵/۷ و ۷/۳ در صد به ۳۱/۷ و ۵/۲ درصد) سهم مسلمانان در حال افزایش می‌باشد. (از ۱۵/۶ در صد حاضر به ۲۶ درصد) این افزایش با وضعیتی از توسعه یافتگی و عقب ماندگی همراه خواهد بود که مقاله به برخی از وجوه آن توجه کرده و عواملی چون میزان شاخص توسعه انسانی (HDI) و زیر شاخص‌های آن (امید به زندگی، سهم با سواد، درجه سواد تولید ناخالص سرانه)، میزان شاخص دسترسی به رسانه‌ها (MCI) و زیر شاخص‌های آن (مطبوعات، رادیو، تلویزیون)، میزان شاخص دسترسی به فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTI) و زیر شاخص‌های آن (اینترنت، کامپیوتر، موبایل و تلفن) و شاخص آزادی رسانه‌ها (MFI) در جهان اسلام را با سایر ادیان مقایسه نموده است.

۱- عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

اتحادیه امت اسلامی:

طرحی در پی آمد و ساختار جهان شمولی اسلام

پروفسور حمید مولانا^۱

نظام بین‌المللی امروزی متشکل از واحدهائی بنام «ملت - دولت» می‌باشد که بر مبنای «حاکمیت ملی» و «منافع ملی» پایه‌گذاری شده است. ریشه‌های این نظام بین‌المللی و اصول آن در تعهدنامه «وستفالی» بین کشورهای اروپائی در قرن هفدهم، در انقلاب فرانسه در قرن هیجدهم، و در حقوق بین‌المللی معاصر و سازمانهای مربوطه نهاده شده است. این نوع سیستم برپایه «دولت ملی» و مفاهیم و مدلولات تجربه شده در غرب استوار است. در دو قرن گذشته ممالک و دنیای اسلام در نظام کنونی بین‌المللی و جهانی ادغام شده‌اند. امروز جریان به اصطلاح جهانی‌سازی و جهانی شدن همراه با رشد و توسعه سازمانها، بنگاهها، و واحدهای چند ملیتی و فراملیتی و گردش پول و کار و حاکمیت ثروت چنین نظام «ملت - دولت» را به عنوان یک منبع عالی و مشروع به چالش می‌طلبد.

بحران مشروعیت سیاسی در ممالک و دنیای اسلام در عصر حاضر در تغییر و تحولات وارده به «الگوی ملت - دولت» یا «دولت ملی» نیست بلکه در اصل در وجود و تعارض با چنین نظام سیاسی می‌باشد. به طور خلاصه، از نظر ما نظام «ملت - دولت» با فرهنگ سیاسی و جهانشمولی اسلامی متناقض بوده و این منبع و علت اصلی بحران مشروعیت سیاسی و حکومتی در

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه هاروارد آمریکا

سرزمین‌های اسلامی می‌باشد. در جهان امروز دیگر نمی‌توان تلقی کلاسیک از روابط بین‌المللی، یعنی روابط متقابل بین دولت‌ها و زبندگان سیاستگذار را به عنوان تنها بعد مطالعات سیاسی و اقتصادی در نظر گرفت.

چیزی که در این دوره به ظاهر کنش‌های بین‌المللی و جهانی به همان اندازه مهم است ناتوانی کشورهای به اصطلاح در حال توسعه از جمله ممالک اسلامی در اثرگذاری بر روند پیشرفتهای کنونی جهان در یک حد قابل اعتنا می‌باشد. مفهوم متداول امروزی جهانشمولی بودن با مفهوم همگانی یکی نیست. آشنائی با دو نگرش متضاد در عرصه بین‌المللی که ظهور جدید ملی‌گرایی و قوم‌گرایی را در برابر جنبش همه شمول قرار داده است، ضروری است. از طرفی حرکت به سمت منطقه‌گرایی که در وهله اول در یک چارچوب اقتصادی، که منعکس‌کننده تکنولوژی‌ها و فرآیندهای تولیدی در حال ظهور باشد، بروز کرده است. کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی، افول نظام قدرتی «ملت - دولت» موجودیتهای نوین دولتهای حاشیه‌ای یا ناحیه‌ای ابعاد مهم این پدیده می‌باشد.

«اتحادیه امت اسلامی» طرحی است در پی آمد و ساختار جهانشمولی اسلام و در سوی یک حکومت و دولت جهانی اسلامی. به عبارت دیگر اتحادیه (جهانی) امت اسلامی واحدی است وحدت‌گرا از مجموع ممالک متحده اسلامی. «اتحادیه امت اسلامی» امت متحده اسلام است که نظام «ملت - دولت» را پشت سر گذاشته و از آن عبور کرده است. مفهوم امت در طرح پیشنهادی «اتحاد امت اسلامی» به صورت جامع و گسترده‌یی به کار رفته است و شامل تمام جوانب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حکومتی می‌شود. مقصود ما از امت بررسی آن در مقطع جامعه حکومت است و نه توغل در امور فردی و گروهی و یا سطوح اختصاصی و باریک جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و اقتصادی آن.

در اینجا ما سعی خواهیم کرد ابعاد تئوریک و عملی و ساختاری «اتحادیه امت اسلامی» را در مقابله با نظام کنونی جهانی مبنی بر «ملت - دولت» تبیین

کنیم. ما کوشش داریم ضرورت بازنگری و تغییرات حاصله در سیستم بین‌المللی امروزی را با ذکر تلویحی در توصیف شرایط با توجه به پدیدار شدن شاخص‌های جدید، اهمیت روزافزون عوامل فرهنگی و دینی، اقبال اقتدار حکومتی و سرانجام تغییر در مقوله‌ها و شیوه‌های نظری بکار رفته، شرح دهیم. منظور از جهانشمول شدن چیست؟ عملکرد آن چگونه است؟ چه کسی یا چه چیزی آن را هدایت می‌کند؟ اخلاقیات جدید موجود در این نوع ساختارها چیست؟ منافع چه کسانی از این طریق تأمین می‌گردد؟ اگر گروه‌های انسانی از مرحله جهانی شدن به دور هستند پس علائم جهانی شدن و جهانشمولی اسلامی چه باید باشد؟ اگر جهان به سوی یک قطبی شدن قدرت پیش می‌رود، آن قطب قدرت چه می‌تواند، و چه باید، باشد؟ محورهای حرکت و اقدام در تشکلی و تأسیس اتحادیه امت اسلامی که ملیت‌ها و فرهنگها و تنوعات محلی و منطقه‌ای را دربرداشته باشد چیست؟

الگوی جهانگردی مسلمانان در عصر جهانی سازی جایگاه امت و دعوت اسلامی

دکتر محمد هادی همایون^(۱)

در آغاز هزاره سوم میلادی «صنعت جهانگردی» به عنوان یکی از سه صنعت درآمدزا و مهم جهان در کنار صنایع نفت و خودروسازی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و پیش‌بینی می‌شود که در طی سال‌های آغازین قرن بیست و یکم از این لحاظ به مقام نخست برسد. به نظر می‌رسد در گسترش نوع معاصر این پدیده که آن را به نام «جهانگردی توده» می‌شناسیم، علاوه بر مسأله جهانی شدن - به ویژه جهانی شدن اقتصاد و توسعه تولید صنعتی - عوامل دیگری نیز از قبیل ظهور فناوری‌های جدید در نظام‌های حمل و نقل و ارتباطات، افزایش جمعیت و جهانی شدن مسائل آن و عوامل ویژه‌ای مانند ازدیاد اوقات فراغت - که از آن به نام «تمدن فراغت» یاد می‌شود - و سهولت کسب درآمد بیش از نیازهای زندگی روزمره دخالت داشته باشند.

اگر چه به نظر می‌رسد در دوران معاصر، این جریان بیشتر ماهیتی اقتصادی داشته باشد، اما می‌دانیم بسیار پیش از ظهور انواع جدید جهانگردی،

۱- عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

این فعالیت به عنوان یک حرکت فرهنگی در طول تاریخ در جهان بشریت وجود داشته و منشأ آثار بسیاری در تولد و گسترش تمدن‌ها بوده است. در حال حاضر نیز فرهنگ و مسائل فرهنگی جزء بسیار مهمی از جهانگردی معاصر به شمار می‌آید.

به هر حال از آنجا که جهانگردی در جهان معاصر و در قالب کنونی آن، پدیده‌ای است که از دل تمدن غربی برخاسته، ادعای برخورداری از الگو برای اداره تمامی جهان بشریت از سوی اسلام، اقتضا می‌کند که در یک بازنگری جدی، اهداف، راهبردها و سیاستهای جهانگردی با توجه به تمامی زمینه‌ها به ویژه مسائل فرهنگی و البته بر اساس مبانی متعالی اسلام طراحی و تبیین شود. تلاش برای طراحی الگویی مناسب برای توسعه جهانگردی بر اساس یک نگاه ارتباطی میان فرهنگی و برآمده از دل معارف غنی مکتب اسلام می‌تواند ضمن فراهم ساختن بستری منطقی برای نقد جریان موجود جهانگردی در کشورهای اسلامی، جایگاه این گروه را در آینده این پدیده مهم بین‌المللی تعیین کند و از این رهگذار کمک بسزایی باشد در ترسیم الگوی جهانی حکومت اسلامی در برابر سلطه فرهنگی تمدن مبتنی بر اقتصاد و استثمار غرب.

در این راه بی‌شک اصولی مانند امت و دعوت اسلامی، عناصر اساسی این الگو را تشکیل خواهند داد. تلاش برای کشف و تبیین این اصول و سرانجام توضیح رابطه میان آنان، منوچهر به طراحی الگوی مطلوب پیشنهادی خواهد شد. تطبیق اجمالی این الگو بر وضعیت کنونی جهان اسلام با در نظر گرفتن

ویژگی های کشورهای مختلف تحت این نام از جمله جمهوری اسلامی ایران، آغاز تلاشی خواهد بود برای هرچه کاربردی تر نمودن این الگوی انتزاعی و آرمانی.

بخش دوم

جهانی سازی

فصل اول:

اقتصاد

جهانی شدن: چه باید کرد؟

(امکان سنجی تقویت بنیانهای اقتصادی کشورهای اسلامی)

دکتر الیاس نادران^(۱)

در سالهای اخیر، فرآیند جهانی شدن شتاب سریعی گرفته است. این فرآیند به عنوان یکی از مشخصه‌های بارز زندگی اجتماعی بشر از دورانهای قدیم به نحاء مختلف وجود داشته است، اما امروزه با توجه به گسترش امکانات ارتباطی، اطلاع رسانی و علمی این فرآیند وارد مرحله تازه‌ای شده است. جهانی شدن از جنبه‌های بسیاری می‌تواند وضعیت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. در حوزه اقتصاد، جهانی شدن با اثرگذاری بر تجارت کالا و خدمات، بازار نیروی کار و سرمایه، سطح تکنولوژی، بهره‌وری، قیمت‌ها و... می‌تواند بر رشد اقتصادی کشورها و توزیع درآمد جهانی مؤثر باشد. در واقع با فراهم شدن بسترهای ارتباطات سریع تجاری و انتقال اطلاعات، امروزه شرایط تکنولوژیکی برای مبادلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با سرعت فوق العاده فراهم شده است.

از سوی دیگر سردمداران نظام سرمایه‌داری و مشخصاً اروپا و آمریکای شمالی در صدد بهره برداری از ابزارهای ایجاد شده برای تکمیل ایده‌های خود می‌باشند. این کشورها با تسلط گسترده بر سازمانهای جهانی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت توانسته‌اند فرآیند جهانی شدن در حوزه اقتصاد را طبق خواسته‌های خود به پیش ببرند و با هدایت مسیر جهانی شدن به سمت آزادسازی اقتصادی و برداشتن موانع

۱- عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

مرسوم در راه ارتباطات اقتصادی سعی دارند که از قدرت اقتصادی خود در راه کسب منافع بیشتر و سلطه بر منابع سایر کشورها استفاده نمایند. به این مفهوم که این کشورها با سوء استفاده از فرآیندی طبیعی و برخاسته از نهاد بشری در راه القاء نظرات فلسفی-سیاسی خودگام بر می‌دارند. این پروسه ساختگی را می‌توان جهانی سازی نامید.

با توجه به نقش مسلط کشورهای غربی در فرآیند جهانی شدن لازم است که کشورهای اسلامی با شناسایی موقعیت و نقاط قوت و ضعف خود، از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود در فرآیند جهانی شدن و در مقابله با سلطه بلوک سرمایه‌داری در جهانی سازی لیبرال دمکراسی استفاده نمایند. شواهد نشان می‌دهد که در حوزه اقتصاد اکثر کشورهای اسلامی در رویارویی با یک رقابت جهانی با مشکلات جدی مواجه خواهند شد. بنابراین برای استفاده از موقعیت‌های ایجاد شده و جلوگیری از زیانهای احتمالی این فرآیند، لازم است کشورهای اسلامی با اتحاد و همگرایی، خود را برای مواجهه با آن آماده‌تر و قدرتمندتر سازند. لذا شکل‌گیری اتحادیه‌های تجاری، پولی و مالی می‌تواند به افزایش قدرت اقتصادی این کشورها کمک شایانی نماید.

به نظر می‌رسد که نخستین مرحله برای همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی، گسترش روابط تجاری و سرمایه‌ای بین این کشورها می‌باشد، تا این کشورها برای تشکیل اتحادیه‌های تجاری و موافقت نامه‌های گمرکی آماده‌تر گردند. در مرحله بعد و به موازات افزایش همبستگی‌های اقتصادی این کشورها می‌توانند گامهای عملی در راه تشکیل بازار مشترک اسلامی بردارند و با توجه به سطح روابط و مبادلات، برای ایجاد اتحادیه‌هایی مالی و پولی اقدام نمایند. امکان سنجی تشکیل چنین اتحادیه‌هایی در تجارت و بازارهای مالی و پولی موضوع اصلی این مقاله می‌باشد. بدین منظور لازم است که امکانات و محدودیت‌های موجود شناسایی گردد و سابقه فعالیت این گونه اتحادیه‌ها در کشورهای اسلامی و تجربه سایر کشورها بررسی شود. در این راه توالی زمانی ایجاد این اتحادیه‌ها و علل عدم موفقیت کشورهای اسلامی و موفقیت بعضی از اتحادیه‌ها تجزیه و تحلیل خواهد شد.

فرامرزی شدن قلمروهای اجتماعی - اقتصادی در عصر تکنولوژی جهانی

دکتر احمد شعبانی^(۱)

تحول فرایندهای محلی به ملی و سپس منطقه ای و هم اینک جهانی موجب پیدایش و بسط ابعاد و قواعد جدیدی شده است که مطالعه آن حائز اهمیت استراتژیک می باشد.

جهانی شدن پدیده های عصر تکنولوژی فرامرزی فاقد قلمروهای جغرافیایی و سیاسی باعث نابودی و رنگ باختن حدود و موانع ملی و حتی منطقه ای شده است که این فرایند نیست مگر بخاطر ذات و ماهیت نوع شناختی تکنولوژی مبتنی بر نیروی مغزی که دارای مختصاتی منحصر به خود بوده و موضوعی است فراتر از تکنولوژی های دارای شدت کار یا سرمایه که به طور سنتی مورد اهمیت و توجه بوده است.

تکنولوژی عصر پیش رو و مسائل و موضوعات آن که به نحوی شتابان روی به سوی جهانی شدن دارد در تعقیب ارائه تعریف و تحقق قلمروی یکپارچه و تحت حاکمیت واحد در وسیعترین مقیاس ممکن خود یعنی 'کره زمین' Global با تمامی ابعاد زندگی اجتماعی آن در حوزه های اقتصاد، فرهنگ و سیاست می باشد.

ظهور و پیدایش طیف جدیدی از صنایع و مسائل مبتنی بر تکنولوژی مزبور ایجاب می کند تا دیدگاه سنتی اقتصاد که در صدد برقراری یک توازن بین

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع).

کالاهای خصوصی و کالاهای عمومی بود تبدیل به دیدگاه جدیدتری شود که تلاش می‌کند تا توازنی مشابه بین کالاهای عمومی در مقیاس‌های ملی National و منطقه‌ای Regional و جهانی Global برقرار سازد. در این تعریف یک کالای عمومی جهانی "a Global Public goods" عبارت از کالایی است که منافع و مضار آن نه برای یک ملت یا کشور "Nation" بلکه برای تمامی کشورها و گروه‌های جمعیتی در مقیاس کره زمین و حتی برای نسل‌های متوالی است. به عبارت دیگر کالایی است که نمی‌توان یک کشور یا حتی یک نسل را از استفاده از منافع و یا مصون داشتن از مضار آن مستثنی ساخت.

محصول این تکنولوژی یک کالای خصوصی "Private goods" نیست که بتواند تحت 'تملک خصوصی' که از بنیادهای معرفتی نظام فلسفی فردگرا بوده و نیز یکی از اساسی‌ترین نهادهای حقوقی نظام اقتصاد سرمایه‌داری است درآید.

تملک‌پذیری، سرمایه‌گذاری و توسعه در فرایندهای مربوط به تکنولوژی مزبور و محصولات آن می‌تواند تعارضات جدی خود با مبانی نظری نظام سرمایه‌داری را آشکار سازد و به نوبه خود فروپاشی تئوریک این نظام را دامن‌بزند نیز از جمله مباحث محوری است که در این نوشتار تعقیب خواهد شد.

مروری بر وجوه اقتصادی حکومت مهدی (ع)

دکتر حسن سبحانی^(۱)

تلاش بشر برای دستیابی به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود از طریق یافتن روش‌هایی که او را بر مهار طبیعت و سیطره بخشیدن بر نیروها و امکانات موجودی آن توانایی بخشد و مدد نماید زمینه‌ساز و جاد برخی از ویژگی‌های اقتصادی شدن را برای بخشی از جوامع امروز فراهم کرده است که اصطلاحاً "توسعه یافته" نامیده می‌شوند. انسانها و جوامعی در خارج از این دنیای توسعه یافته با الگوپذیری از آن تلاش کرده‌اند تا خود را به توسعه یافتگی برسانند. به نظر می‌رسد حکومت امام مهدی (عج) که جامعه شاهد احیای مجدد اسلام به عنوان شرط کافی توسعه یافتگی است، برخوردار از شرایط لازمی برای این مهم است که می‌تواند به حصول آرامش و ارتقاء تربیتی انسانها تعبیر شود. به نحوی که امکان بیان این قاعده میسر می‌گردد که توسعه یافتگی همان احیاء معارف و عملیاتی شدن آن در ارکان زندگی مسلمان‌ها و جامعه اسلامی است. در جامعه دینی و یا به عبارت دیگر توسعه یافته حکومت مهدی (ع) ضمن اینکه با وفور عوامل تولید و کارآئی نهادهای اقتصادی مواجه می‌شویم حضور "توسعه‌ای" دولت اسلامی را در کنار مالکیت‌های عمومی مقتضی برای آن حضور فعال شاهدیم و از طریق تولید انبوه کالاها و خدمات که در پناه امنیتی ناشی از عدالت گسترده حاصل می‌شود امنیت فعالیت‌های اقتصادی را پشتوانه رفع فقر و افزایش رفاه

۱- عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد می‌یابیم. اندازه این فراوانی و وفور به حدی است که می‌توان گفت: مفهوم اقتصاد که در غلبه بر کمیابی‌ها در قبال مفهوم نیازهای اشباع‌ناپذیر و خواسته‌های نامحدود انسان شکل گرفته است متحول می‌گردد و مطلوبیت ناشی از عوامل مادی تولید جای خود را به مطلوبیت ناشی از عمل به ارکان اسلام که منظر به شکوفایی اقتصادی است می‌دهد.

در آمدی بر شکل گیری بازار مشترک اسلامی

شیخ حسن آقانظری^(۱)

مشکلات گوناگون جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را در شکل گیری اولین مرحله ایجاد بازار مشترک اسلامی که همان توافقنامه ترجیحی باشد نمی توان نادیده گرفت از این رو می باید جامع ترین شکل همکاری اقتصادی در بین کشورهای اسلامی که همگرایی گروه ۸ است، شکل گیرد.

کاستی های این مشکل همکاری با ترکیب جدید که عضویت عربستان سعودی باشد به طور نسبی مرتفع می گردد. اعضای ترکیب جدید (گروه ۸+۱) جهت اجرا توافقنامه ترجیحی می باید گامهایی از قبیل توسعه بانک توسعه اسلامی در سطح کلیه کشورهای عضو تشکیل شرکتهای فراملیتی اسلامی با حمایت سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی بردارند در صورتی که توافقنامه ترجیحی در بین کشورهای عضو ترکیب جدید با موفقیت اجرا گردد زمینه شکل گیری دومین مرحله همکاری اقتصادی آماده و آنگاه تجارت کشورهای عضو در یک حرکت تکاملی و در راستای ایجاد بازار مشترک اسلامی قرار می گیرد.

۱- پژوهشگر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

در این مقاله مراحل شکل گیری بازار مشترک اسلامی چالشهای موجود در فراراه تشکیل بازار مشترک، زمینه های اقتصادی، نمودها و شکل های منطقه گرایی در قالب اگو، گروه ۸، شورای خلیج و در نهایت راهکارهای کلی تحقق آن مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل دوم:

سياسي، حقوقي و روابط بين الملل

ابعاد سیاسی جهانی شدن و آینده جهان اسلام

دکتر ابراهیم برزگر^(۱)

ابعاد سیاسی جهانی شدن چیست؟ بازتاب جهان اسلامی آن و متدلوژی شناخت این پدیده و بازتاب آن چگونه است؟ مؤلف می‌کوشد تا برای مخاطبانی عام در جهان اسلام و در قالب محورهای موضوع شناسی جهانی شدن را بررسی کند. به نظر وی جهانی شدن پرسشی غربی است که در مقابل جهان اسلام قرار گرفته است. در ظرف غربی زاده شده، به جهان اسلام تسری پیدا کرده و می‌کند. زین سبب ریشه در تمدن جدید غربی و دوران معاصر دارد؛ هر چند در دهه گذشته شتاب بیشتری گرفته است. نویسنده پس از اشاره به اصول متدلوژی شناخت پدیده جهانی شدن به چند وجهی بودن جهانی شدن می‌پردازد و همین کثیرالوجه بودن را مانعی در راه ارائه تعریف جهانی شدن یا علل و دلایل شکل‌گیری آن و یا بازتاب‌ها و پیامدهای آن می‌داند. بخشی از جهانی شدن سیاسی ریشه در تحولاتی دارد که ابتدا در حوزه‌های اقتصادی، ارتباطاتی و فرهنگی جهانی شدن رخ داده است و سپس با تأخیر تأثیراتش در حوزه سیاست آشکار شده است. در حالیکه بخشی از آن ذاتاً سیاسی است؛ یعنی ابتدا در حوزه سیاست رخ می‌دهد و آنگاه وارد حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ می‌شود. بر اساس این شناخت مقدماتی از موضوع جهانی شدن، می‌توان دورنمای جایگاه خود در آن و نیز چشم‌انداز آینده و همچنین بایدها و نبایدها در حوزه تمدن اسلامی را به تصویر کشید.

۱- عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

جهانی شدن ، ملیت و قومیت در خاورمیانه

دکتر حمید احمدی^(۱)

هدف این پژوهش بررسی پدیده جهانی شدن و فرآیند آن بر جهان اسلام، بویژه خاورمیانه است. با این همه با توجه به گستردگی ابعاد بحث جهانی شدن، پژوهش تنها بر تأثیرات فرآیند جهانی شدن به مسأله هویت در خاورمیانه و کشورهای آن تأکید می‌گذارد.

پژوهش ضمن بحث پیرامون مفهوم جهانی شدن و رهیافت گوناگون مطالعه آن، بر این نکته تمرکز دارد که این پدیده چه تأثیری بر هویت‌های متنوع مطرح در خاورمیانه خواهد گذاشت.

در این رابطه بویژه تأثیرات جهانی شدن بر هویت فراملی، اسلام‌گرایانه هویت ملی مبتنی بر ناسیونالیسم و هویت ملی و سرانجام هویت‌های قوم‌گرایانه تأکید خواهد شد.

مفروضات اساسی بحث مربوط به جهانی شدن و هویت در چهارچوب لایه‌های سه‌گانه هویتی مطرح در خاورمیانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته و موقعیت مکاتب هویتی موجود با توجه به بحث و فرآیند جهانی شدن تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱- عضو هیأت علمی مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

جهانی شدن و تحول گفتمان مسلط اندیشه اسلامی

دکتر فردین قریشی^(۱)

این مقاله در پی یافتن ارتباط ما بین فرایند جهانی شدن و تحول گفتمان مسلط اندیشه اسلامی در دوره معاصر است. در همین ارتباط استدلال می‌شود که یک گفتمان فکری زمانی به گفتمان مسلط تبدیل می‌شود که امتیازات بیشتری نسبت به گفتمانهای رقیب داشته باشد. این امتیازات در چهار عرصه قوت نظری، کشش زیبایی شناختی، پیوند با اعتقادات مخاطب و پیوند با مناسبات قدرت است. اما عرصه رقابت را در این میان میزان ارتباطات آدمیان تعیین می‌کند. به همین لحاظ با توجه به اینکه در عصر جهانی شدن، سطح ارتباطات پدیده‌های مختلف جهانی می‌شود، شرط صعود به اریکه گفتمان مسلط جهانی نیز داشتن امتیازات مختلف در یک مقیاس جهانی است. در این وضعیت یک یا چند گفتمان مسلط می‌شوند و باقی گفتمانها در حاشیه قرار می‌گیرند. اما جالب آن است که در بین خرده گفتمانهای هر گفتمان حاشیه‌ای نیز، خرده گفتمانی بیشترین پایگاه اجتماعات خواهد داشت که بیشترین میزان همسویی را با گفتمان مسلط جهانی دارد با توجه به این مبانی نظری در این گفتار استدلال می‌شود که تحت تأثیر جهانی شدن، گفتمان نوگرایی دینی، به گفتمان مسلط جوامع اسلامی تبدیل شده (تحول نوعی) و از بین خرده

۱- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

گفتمانهای نوگرایی دینی نیز، خرده گفتمانی دارای بیشترین قدرت و نفوذ اجتماعی است که بیشترین میزان همسویی را با گفتمان مسلط جهانی دارد. تحول درونی بر همین اساس می‌توان در تبدیل اندیشه‌های پاره‌ای از متفکران مذهبی به گفتمان مسلط در یک دوره خاص و تحول آن در دوره‌ای دیگر را می‌توان بهتر فهم کرد. در عین حال با درک منطق حاکم بر جابجایی گفتمانهای مسلط در عصر جهانی شدن بهتر می‌توان اندیشه اسلامی را در دنیای رقابتی اندیشه‌ها مساعدت نمود. در متن مقاله برای عینی‌تر شدن مطالب مثالها و مصادیق متعددی عرضه می‌شود.

جهانی شدن و چالش ارزش‌های سیاسی در جهان اسلام

دکتر نوراله قیصری^(۱)

با بروز انقلاب اسلامی در ایران، تحولی بنیادین در آموزه‌ها و عناصر فرهنگ‌های سیاسی در جهان اسلام پدید آمد. تغییر ارزش‌های سیاسی و جایگزینی آن با ارزش‌های سیاسی اسلامی جدید از مهمترین ابعاد این تحول بود. گرایش به ارزش‌هایی چون نفی سلطه بیگانه در برابر بیگانه پرستی و ستایش بیگانه، خودکفایی و استقلال در برابر وابستگی و اتکای به بیگانه، مبارزه و جهاد در برابر محافظه‌کاری و انفعال سیاسی، شهادت در راه آرمان‌های الهی در جهت تحقق جامعه و حکومت مطلوب در برابر پذیرش جامعه و حکومتی متناسب با ویژگیهای جامعه غربی پدید آمد، اما با پیدایش فرایند جهانی شدن ارزش‌های نوین سیاسی مذهبی با چالش جایگزینی با ارزش‌های مسلط فرهنگ سیاسی غربی مواجه شده است. این مقاله تأملی است بر فرایند دگرگونی ارزش‌های در پرتو آثار و ویژگیهای فرایند جهانی شدن در جهان اسلام.

۱ - عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن: مطالعه موردی جهان اسلام

دکتر اصغر افتخاری^(۱)

جهانی شدن که از حیث معنایی (با توجه به بستر اجتماعی و واقعیت‌های جهانی) متضمن دو معنای متفاوت «جهان گرایی» و «جهانی سازی» می‌باشد. در معادلات امنیتی با دو چهره «فرصت ساز و تهدیدساز» ظاهر می‌شود که هر یک برای «جهان اسلام» در بردارنده مصادیق و بار امنیتی خاصی می‌باشد. در این نوشتار نخست به تحلیل محتوایی «جهانی شدن» از منظر امنیتی پرداخته و سپس وضعیت جهان اسلام را در محورهایی از قبیل: فرسایش حاکمیت ملی، رویش فرهنگ امنیتی تازه، آسیب‌پذیری فرهنگی، تضعیف جایگاه دولت، نقد اصل برابری در گستره ملی، فعال شدن کانون‌های ساختاری، رفتاری و فرآیندهای نا امنی‌زا از سوی جهانی شدن (که ابعاد تهدیدساز جهانی شدن را در بر می‌گیرند) و عواملی چون ایجاد مسؤولیت جهانی، ضرورت همگرایی، پرهیز از نظامی‌گری، تقویت ایده جامعه جهانی، بسترسازی برای نهادهای فراملی و... (به مثابه بعد فرصت‌ساز)، مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف از این نوشتار پیرایش محتوایی مفهوم جهانی شدن از حیث امنیتی برای کشورهای جهان اسلام است تا از این طریق نگرش کاملاً «سیاه یا سفید» را نقد کرده، چشم‌انداز مناسب و واقع‌بینانه‌ای را برای ورود جهان اسلام به این عرصه ارائه دهد.

۱- پژوهشگر و معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جهانی شدن: اجتناب ناپذیری فرسایش حاکمیت ملی در جهان سوم

دکتر حسین دهشیار^(۱)

جهانی شدن، برای ماهیت آن فرایندی است که به شدت متأثر از جابجائیهای داخلی از یک سو و تحولات فراسوی مرزهای ملی از سوی دیگر است. سرشت حیات داخلی از این لحاظ توجه برانگیز است که فرایند جهانی شدن قادر به تسهیل، تشدید و تعدیل آن است. هر چند که این آگاهی باید وجود داشته باشد که در بلند مدت امکان ممانعت از تداوم این حرکت را ندارد. دگرگونیهای اجتماعی در انتزاع شکل نمی‌گیرند چرا که این بستر داخلی و فضای بیرونی هستند که از یک سو میزان اثرگذاری جهانی شدن و از سوی دیگر چگونگی شکل‌گیری آن را معین می‌کنند. الزامات درونی که استعداد برای تطابق یا تعارض با جهانی شدن است، بیانگر پیشینه‌ی تاریخی، سطح توسعه اقتصادی، کیفیت ارزش‌های تعیین‌کننده روابط اجتماعی، ویژگی‌های ساختار سیاسی و جایگاه جهانی است. این الزامات شکل دهنده فرایند نیستند بلکه تأثیرپذیر از این جریان و روند هستند که البته میزان این تأثیرپذیری بستگی مستقیم به عوامل و متغیرهای متعددی دارد که بیش از همه مرتبط به میزان نهادینه بودن ساختارها، ماهیت ارزشی و ویژگی‌های داخلی و تطابق آن با خواستها و نیازهای مردم و ارزیابی نخبگان از پی‌آمدهای این فرایند دارد. جهانی شدن فرایندی است که در بستر دگرگونیها، چالش‌ها و ضرورت‌های

۱- عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه

بین‌المللی شکل می‌گیرد، تحولات در صحنه جهانی، قوام دهنده ماهیت، جهت‌گیری، کیفیت و توانبندی آن هستند. جهانی شدن فرایندی غربی است چرا که ارزش‌های شکل دهنده‌ی آن، استدلالهای توجیه کننده‌ی آن، خاستگاه تاریخی، چارچوب‌های ایجاد کننده و نتایج پی‌آمدهای متصور بر آن نشانگر این واقعیت است که سویی که بیشترین بهره را از فرایند در اختیار خواهد داشت کشورهای غربی هستند و کشورهایی که شاهد در هم فروریزی ارزشها، ساختارها، ماهیت بومی حیات اجتماعی بر نگرش‌های سیاسی و تولید اقتصادی خواهد بود، کشورهای غیر غربی هستند. فرایند جهانی شدن تمامی بازیگران دولتی و غیر دولتی را در نهایت به زیر نفوذ خود خواهد کشاند. اما نکته باریکی که می‌بایستی به آن توجه شود این واقعیت است که تأثیراتی که کشورهای غربی آن را تجربه خواهند کرد در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای آنان است چرا که خاستگاه این فرایند غربی است. اما کشورهای غیر غربی هزینه گزافی باید بپردازند چرا که ساختارها و ارزشی‌ها و اقتدار ملی و جهانی آنان به جهت این فرایند ماهیت بومی خود را از دست خواهد داد و در بستر غربی شدن قرار خواهد گرفت. در اینجا هدف ارزیابی ارزشی از مفید یا مضر بودن فرایند نیست بلکه این حقیقت است که جهانی شدن به مفهوم اعمال ارزش‌های ساختارها، استدلالها، روایت‌ها و توجیهات غربی در کشورهایی است که از نقطه نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کاملاً متفاوت هستند. در بطن این فرایند است که ماهیت حاکمیت ملی به شکل متداول و سنتی آن دیگر بی معنا خواهد شد. حاکمیت ملی به مفهوم توجیه ماهیت کنترل در صحنه داخلی و برابری حقوقی بین بازیگران در صحنه بین‌المللی دیگر قابل قبول نخواهد بود. جهانی شدن به عنوان فرایندی غربی ره‌گشای حضور گسترده‌تر و مشروع‌تر ارزش‌ها، معیارها، قرائت‌های غربی و کاهش تدریجی حاکمیت کشورهای غیر غربی است چون معیار ارزیابی‌ها از عملکرد کشورها برای عمل ارزش‌های غربی خواهد بود.

جهانی شدن ها: غربی شدن و اسلامی شدن جهان، اسلام هراسی، مدرنیته بزرگ شده^(۱)

دکتر سعید رضا عاملی^(۲)

اگر چه جهانی شدن هم به عنوان یک اندیشه و هم به عنوان یک واقعیت اجتماعی، پدیده قدیمی محسوب می‌شود، ولی جهانی شدن با مفهوم امروزی آن پدیده‌ای است کاملاً جدید و در واقع مبنای شکل‌گیری دوره جدید (آلبرو، ۱۹۹۶) از تاریخ بشر محسوب می‌شود. جهانی شدن، با مفهوم امروزی خود، محصول ظهور «صنعت جهانی ارتباطات»^(۳) (عاملی، ۲۰۰۲a و ۲۰۰۲b) می‌باشد. این صنعت نوع جدید از «ارتباطات مجازی»^(۴) را به وجود آورده است که به آن «ارتباطات همزمان»^(۵) می‌گویند. در فضای ارتباط جدید، عامل زمان و مکان کم رنگ شده است و دوری و نزدیکی عامل خنثی در ارتباطات محلی و جهانی محسوب می‌شوند. صنعت و ارتباطات از طریق تلکس، تلفن، نمابر، رادیو، تلویزیون، سینما و بالاخره، اینترنت جهان جدیدی را به موازات جهان واقعی به وجود آورده است که جهان بی مرز، جهانی بی مکان^(۶) و به

¹⁻ Globalizations: Westernization and Islamization of World – Lslamphobia and Enlargement of Modernity.

۲- عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

³⁻ Global Communications Industry.

⁴⁻ Virtual Communications.

⁵⁻ Instantaneous Commtnications.

⁶⁻ Space less.

تعبیر دقیق‌تر جهان مجازی نام گرفته است. این جهان جدید در کنار جهان واقعی، منشاء ظهور «جهانی شدن‌های بسیار»^(۱) (برگر و هانتینگتون، ۲۰۰۲) شده است.

رابطه جهانی شدن و دین مورد توجه جامعه شناسان، متفکرین علوم سیاسی و متکلمان بسیاری بوده است (بیر، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ترنر، ۱۹۹۵، رابرتسون، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، عاملی، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲a، فیلرستون، ۱۹۹۵). فرض محوری نگارنده در این مقاله بر این قاعده استوار است که «جهانی شدن مطلق»^(۲) به عنوان یک فرایند واحد، نگاهی صرفاً افسانه‌ای و تخیلی به جهانی شدن است، که نه مبتنی بر شواهد عینی است و نه امکان منطقی بر آن مترتب است. بلکه «جهانی شدن‌های متکثری» در سطح جهان در حال شکل‌گیری است که از محوری‌ترین «حلقه‌های جهانی»، ظهور شکل گرفته و در حال توسعه «جهانی شدن دین» است. جهانی شدن دین و مرکزیت پیدا کردن دین در بستر «مدرنیته تند شده» به عنوان یک «فرایند معکوس جهانی شدن»^(۳) (گیدنز، ۱۹۹۹) یعنی «بازگشت به سنت‌های دینی»، در مقابل روند غالب جهانی (حاشیه نشین شدن دین) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مقاله بر این مبنا تأکید می‌کند که محوری‌ترین عامل یکپارچگی غرب، حتی در قرن ۲۱، همچنان دین می‌باشد. عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲، جنگ منطقه یوگسلاوی و حتی چین، ریشه در عامل اظهار نشده‌ای به نام دین اروپائی یعنی مسیحیت دارد. این دین اگر چه به دین مدنی تفزل پیدا کرده است ولی داکما و عصیتهای «شمولیت بخش»^(۴) و «استثناء کننده»^(۵) همچنان در

¹- Many Globalizations.

²- Total Globalization

³- Reverse Globalization Process.

⁴- Inclusive.

⁵- Exclusive.

عرصه نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود جدی و قوی دارد. بر عکس حوزه نخبگان در حوزه عمومی و یا فرهنگ عامه از یک طرف، نوعی رهائی از عصبیت‌های قومی، نژادی و حتی دینی ملاحظه می‌شود و از طرف دیگر نوعی توجه به ارزشهای عمومی و فطری جامعه بشری در حال احیاء شدن است. نمونه این ارزش‌ها که در قالب عدالت خواهی و انسان گرایی نمود پیدا می‌کند در اجتماعات، راهپیمائی‌ها و حتی اعتصاب‌های جمعیت‌های بزرگ مسیحی در اعتراض به قتل عام مردم فلسطین و همچنین در اعتراض حمله آمریکا به عراق ملاحظه می‌شود. در عالم اسلام نیز همدردی جهانی در محکومیت حمله تروریستی به برج‌های نیویورک در سطح گسترده نشان از این حس جهانی و عمومیت یافته است، شکل‌گیری کمپین‌های مختلف اجتماعی در محافظت از محیط زیست، حمایت از کودکان استثنائی، حمایت از فقراء و بینوایان، مخالفت با الکل، حمایت از خانواده و ... بعد دیگر شکل‌گیری ارزش‌های فطری در سطح جهان است. بر این اساس نگارنده بر خلاف ساموئل هانتینگتون، عرصه چالش بین تمدنها را در حوزه عمومی نمی‌داند، بلکه این چالش را به عنوان یک روند مدیریت شده در عرصه نخبگان سیاسی، اقتصادی فرهنگی قلمداد می‌کند. این چالش که بر یک نگاه خود محورانه «شمول‌گرانی»^(۱) و یک دیدگاه تنگ نظرانه «استثناء گرایی»^(۲) مبتنی است، منشاء تشدید تضادها، برخوردها و در نهایت جنگ‌های بزرگ در قرن بیستم و در آغاز قرن بیست و یکم می‌باشد.

با این نگاه، این مقاله جهانی شدن را هم به عنوان یک سخت افزار جدید و هم به عنوان یک نرم افزار جدید استراتژیک که منشاء ظهور فضای جدید

¹ Inclusivism.

² Exclusivism.

می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌دهد. تأثیرات سخت افزاری و نرم افزاری جهانی شدن هم به عنوان یک «فرایند خود سامانگر»^(۱). و هم به عنوان یک «روند مدیریت شده»^(۲) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. توسعه فرایند غربی شدن و همچنین توسعه اسلام - هراسی به عنوان دو فرایند موازی جهانی، که موجب تشدید فشارهای فرهنگی غرب بر شرق و فاصله افتادن گسترده تر بین غرب و شرق شده است، به عنوان نتیجه دیدگاه «شمول گرایانه» و «استثناء گرایانه» حلقه نخبگان غرب، ابعاد دیگری است که در این مقاله به آن توجه خواهد شد.

با تحلیل روند سال‌های ۱۹۶۰ به این طرف، می‌توان گفت اگر از یک طرف سخت افزار و تکنولوژی ارتباطات منشاء توسعه و بزرگ شدن ارزش‌های مدرنیته غرب شد، از طرف دیگر ظهور انقلاب اسلامی ایران در دو دهه پایانی هزاره دوم، نیز با نگاه خاص گرایانه^(۳) عامل توسعه و بزرگ شدن ارزش‌های اسلامی در سطح جهان و با نگاه عام گرایانه^(۴) (رابرتسون، ۱۹۹۲)، اساساً عامل توسعه دین در جهان شد. این روند هم به عنوان یک روند خاص گرایانه و هم به عنوان یک روند عام گرایانه، یک «فرایند معکوس»^(۵) جهانی شدن غرب محسوب می‌شود. البته از نگاه حلقه خاصی از نخبگان سیاسی غرب، توسعه دین‌گرایی، موجب چالش جدی تمدن‌ها و ادیان شرقی و تمدن (مدرنیته) غربی می‌شود. در واقع مدرنیته در روح اندیشه‌های معرفتی خود سکولاریسم را به عنوان یک اصل مفروض مورد توجه قرار داده است و دین‌گرایی نوعی یک فرایند غیر سکولار کردن جامعه محسوب شده است، ولی به نظر نگارنده این چالش بعد ظاهری دارد که بسیاری برجسته شده است ولی جنبه‌های باطنی و

¹ Self - handled process.

² Projective Process.

³ Particularism.

⁴ Universalism.

⁵ Reverse Process.

پنهان آن ناگفته رها شده است. بر این اساس در این مقاله تلاش خواهد شد که به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که چالش‌های اساسی جهانی شدن در دو روند غربی کردن و اسلامی کردن جهان، چه تأثیرات اساسی بر حوزه‌های فرهنگی جهان خواهد داشت؟ در پاسخ به این سؤال ناگزیر نگاه مفهومی به پدیده جهانی شدن، غربی کردن و اسلامی کردن جهان و همچنین تحلیل مفهومی نسبت به مقوله «اسلام‌هراسی» که منشاء تشدید چالش‌های اسلام و غرب و یا به تعبیر هانتینگتون چالش بین تمدن‌ها شده است، خواهیم داشت. در بخش‌های پایانی مقاله تلاش خواهد شد، تحلیل قاعده مندی در خصوص تعامل جهانی شدن با اسلام و غرب ارائه شود و دکترین‌های مرتبط با این حوزه، مورد نقد و تحلیل قرارگیرد.

جهانی سازی و جهانی سازان

محمد جعفر حسینیان^(۱)

در این مقاله سعی شده است که با رویکرد جدیدی طرح به مسئله «جهانی شدن و جهانی سازان» بپردازد و با بیان ابعاد آن در سطح کلان اهمیت توجه به این مسئله و دریافت راهبردهای اساسی و تعیین استراتژی مواضع نظام اسلامی را در مقابل آن مشخص نماید.

در مقدمه ابتدائاً ضمن بیان تفاوت در تعاریف و حدود اولیه این مسئله از منظر اندیشمندان مشابهت و «همگرایی» موجود در تعاریف را که ناشی از یک ویژگی مشترک در آن است متذکر می‌شود.

«همگرایی» موجود در تعاریف دارای ابعادی است از جمله:

۱- همگرایی جغرافیایی: برپایه این دیدگاه فرآیند جهانی شدن، دنیا را کوچکتر کرده و سرنوشت مردم جهان را به همگره زده است به گونه‌ای که حوادث و رویدادهای هر بخش از کره زمین دیگر مناطق را قطعاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این منظر فشردگی زمان و مکان و نزدیک شدن اقصا نقاط عالم به هم از مهم‌ترین نشانه‌های همگرایی جغرافیایی است؛ اما آیا واقعا این وجه مشترک در تعریف می‌تواند ابعاد، علل و عوامل مسئله را روشن سازد؟ آیا در آینده سرنوشت کشورهای فقیر و عقب افتاده با کشورهای توسعه یافته و نیز جوامع اسلامی و غیر اسلامی به نحو یکسان رقم می‌خورد یا اینکه عوامل و پارامترهای گوناگونی مسیر آنها را از هم جدا می‌سازد؟

۱- پژوهشگر حوزه و دانشگاه.

۲- همگرایی اقتصادی: برپایه این دیدگاه «جهانی شدن» به معنای «همگون سازی» است که عمدتاً با رویکرد اقتصادی قابل تحقق است، یعنی قیمت‌ها، تولیدات، دستمزدها، دارائی‌ها، نرخ‌های بهره و سود میل به مشابهت و یکی شدن دارد، به عبارتی پیشرفت علم و تکنولوژی و تحولات گسترده صنعتی، انسان‌ها به هویت مشترک خود پی برده و خصومت‌های دیرینه خود را فراموش می‌نمایند، در همین راستا نقش شرکت‌های ملیتی و فراملیتی به نحوی هویدا می‌گردد که تأثیر بسزائی در همگرایی اقتصادی در جهانی شدن دارد و به عبارتی بزرگترین بخت برای کشورهای جهان سومی است که کمپانی‌های اقتصادی در آن کشورهای کارخانه را بیندازند.

اما آیا در این تعریف تصویری کامل از جهانی شدن ارائه می‌شود یا تنها فقط از بعد اقتصاد ملاحظه می‌گردد؟ آیا اقتصاد می‌تواند محور همگرایی جهانی بین ملت‌ها و دولت‌ها باشد؟ وبالاخره آیا در این تعریف شرکت‌ها و کمپانی‌های فراملیتی نسبت به جلب منافع مادی خود از جهان سوم با روحیه ایثار و از خودگذشتگی برخورد می‌کنند یا اینکه در هر شرائطی باید منافع آنها تأمین شود؟

۳- همگرایی فرهنگی و ارتباطی: از این منظر توسعه ابزارهای ارتباطی - اطلاعاتی، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و افزایش شبکه‌های رایانه‌ای سبب نزدیک شدن جوامع از نظر فرهنگی و شیوه‌های زندگی، الگوهای مصرف آداب و سنن و دیگر مسائل اجتماعی و توسعه فکری انسانها و ارتقاء فهم جهانی است. این رویکرد به مسئله جهانی شدن آثار و ثمراتی دارد از جمله پلورالسیم فرهنگی و تعدد و تکثر ارزش‌ها، حقائق و ملاکهای حقانیت و... که در آن عقل کل گرا و فاتح ارزش خود را از دست می‌دهد وحدت‌گرایی به کثرت‌گرایی تبدیل می‌شود و تنوع عقلی حاکم می‌شود. هر چند که از دیدگاه بعضی صاحب‌نظران پدیده جهانی شدن نوعی امپریالیسم فرهنگی است. حال آیا این رویکرد می‌تواند حامل پیام جهانی شدن باشد؟ آیا همگرایی فرهنگی و ارتباطی

نیز نوعی تعریف تک بعدی از مسئله نیست؟ آیا این مسئله با سیطره مطلق جهانی چه ارتباطی دارد؟ آیا این مسئله باعث ایجاد طبقات اطلاعاتی و ارتباطی در جهان نیست (بی عدالتی فرهنگی)؟

۴- همگرایی سیاسی - اجتماعی: بر اساس این تعریف مردم سراسر دنیا، باید از یک الگوی واحد رفتاری در همه سطوح فردی و اجتماعی پیروی کنند یا لا اقل اکثر کشورها از یک الگوی واحد (الگوی کاپیتالیسم) پیروی کنند، یعنی: دموکراسی، در این عرصه دخالت دین و باورهای مذهبی در عرصه سیاست جای خود را به مراجعه به افکار عمومی می‌دهد و معادله‌های قدرت در فرآیند تجارب بشری تعریف شده و با توجه به نظریه فوکویاما به صورت یک پروسه و جبر تاریخی مطرح می‌شود. اما آیا این رویکرد به جهانی شدن صحیح است؟ آیا توانسته تمامی ابعاد را ملاحظه کند؟

آیا فوکویاما در تعریف خود متأثر از اندیشه هگل و مارکسیسم و لننیسم نیست؟ و...

آیا دموکراسی به عنوان بهترین ثمره لیبرالیسم توانسته عدالت سیاسی را در جهان برپا سازد؟

۵- همگرایی اساسی یا حکومت واحد جهانی: از این منظر مفهوم جهانی شدن در لایه‌های عمیق‌تر و همه جانبه‌تری مورد دقت قرار می‌گیرد. یعنی جهانی شدن چیزی نیست جز تلاش هماهنگ، برنامه‌ریزی شده، مقتدرانه و همه جانبه برای تشکیل یک حکومت واحد جهانی و سیطره قدرتمندانه بر چهارسوی عالم، در این رویکرد مدینه فاضله حکومت جهانی است جهانی بدون مرز با آزادی مطلق در اشغال مردم، کالا، افکار، خدمات و پول و... هر چند که ساختار کلان اجرایی و استراتژی آن تحت مدیریت یک دولت قدرتمند به نام آمریکا صورت می‌گیرد به عنوان مثال مک لوهان سرچشمه این قدرت حاکم را سرزمین غرب می‌داند و همچنین هانتینگتون و الوین تافلر به گونه‌ای آن را طرح می‌کنند.

آیا در این رویکرد نیز (آنچنانکه پیداست) معنای واقعی جهانی شدن، سلطه بلا منازع غرب و در رأس آن آمریکا بر تمامی عرصه‌های حیات بشری نیست؟ آیا این حکومت همه جانبه بتدریج بی‌نیازی بشریت را به مکاتب و حیانی والسهی تشدید نمی‌کند؟ و آیا هدف و غایت آفرینش در همین دنیا تفسیر می‌شود یا غایت بالاتر و والاتری مورد نظر است که انبیاء الهی بشریت را به سوی آن دعوت نمودند؟ آیا غرب توانائی ادعای جهانی شدن را دارد یا تنها دین و مکاتب الهی این توانائی را دارند؟.. که در ادامه به سئوالات فوق نیز پاسخ داده شده است.

جهانی شدن و جهان اسلام

عبدالقیوم سجادی^۱

جهانی شدن چه به عنوان یک پروسه تاریخی یا پروژه غربی جوامع ملی، فرهنگ‌ها و ایدئولوژیهای مخالف را به چالش می‌گیرد. چالش جهانی شدن نسبت به جهان اسلام و جوامع برخوردار از فرهنگ اسلامی، دارای ماهیت متفاوت از دیگر جوامع می‌باشد. برخی جوامع در عصر جهانی شدن از این منظر با تهدید روبرو می‌گردند که نظام ارزشی و باورهای اساسی آنان با فرو ریختن مرزهای ملی فرو می‌ریزد. جهانی شدن کلیه مفاهیم و باورهایی را که در چارچوب مرزهای جغرافیایی و زمانی تعریف می‌گردد به چالش می‌گیرد. اما در این میان جهانی شدن از منظر فوق تهدیدی برای جوامع اسلامی محسوب نمی‌گردد، زیرا اسلام از ابتدا مفاهیم ملی و مرزهای جغرافیایی را نه به عنوان اصل بلکه به عنوان وضعیت اضطرار و ناشی از ضرورت‌های زمانه مورد توجه قرار داده است. اما چالش اساسی جهانی شدن با جوامع اسلامی و جهان اسلام در دو نقطه اساسی دیگر قابل طرح و بررسی است:

۱- جهانی شدن، چه به عنوان وضعیت یا پروژه دارای ماهیت لیبرالیستی است و سیطره این گفتمان با سلطه گفتمان لیبرالیسم روبرو خواهد بود. اسلام به عنوان یک مکتب جامع و جاوید که ادعای ماندگاری و هدایت عامه بشر را دارد نمی‌تواند پذیرای... مونیکی شدن آموزه‌های لیبرالیسم باشد.

۱- پژوهشگر حوزه و دانشگاه.

۲- جهانی شدن از نظر محتوا در برگرفته ایده پایان تاریخ فوکویاما است که بر اساس آن الگوی لیبرال به عنوان آخرین دستمایه تجربه بشری جهانگیر و جهانی خواهد شد. این مفروض به طور مستقیم یکی از آموزه های اسلام با عنوان جهانشمولی اسلام را به چالش می‌گیرد. در حالیکه جهانی شدن دموکراسی لیبرال را دارای ظرفیت جهانگیر شدن عنوان نموده و از عالمگیر شدن آن صحبت می‌کند؛ جهانشمولی اسلام، در نهایت فراگیری و عالمگیر شدن آموزه های اسلامی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

با توجه به دو محور اصلی یادشده و دیگر محورها، این نوشتار در پی آن است تا چالشها و تهدیدات جهانی شدن نسبت به جهان اسلام را به بحث گذاشته و شیوه های برخورد مناسب و معقول با این تهدیدات را به بررسی گیرد. بنابراین پرسش اساسی ما این است که: جهانی شدن چه تهدیدات و فرصتهایی را برای جهان اسلام ایجاد می‌کند؟ استراتژی معقول و کارآمد فراروی این جوامع در برخورد با تهدیدات جهانی شدن چیست؟

فرضیه این نوشتار ضمن آنکه محورهای چندی را به عنوان تهدیدات جهانی شدن به جوامع اسلامی و فرهنگی اسلامی مطرح می‌کند، این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که: جهان اسلام در چارچوب تئوری منطقه‌گرایی (Regionalism) به مفهوم ایده ای ناشی از واکنش در قبال جهانی شدن می‌توانند موضع معقول و مناسبی را اتخاذ نمایند. در این چارچوب منطقه‌گرایی به مفهوم غیر جغرافیایی بوده و ناظر به مجموعه ای از کشورهایی است که با برخورداری از نظام ارزشی و فرهنگی مشترک می‌توانند به الگوی واحد فرهنگی و منافع مشترک سیاسی و اقتصادی دست یابند و بلوک هژیون را ایجاد نمایند. در اینجا با استفاده از نظریه بلوک هژیون‌گردشی و رابرت کاکس ظرفیت و توانمندی جهان اسلام جهت خلق و تولید باورهای فرهنگی و ایدئولوژی جدید مورد تأکید قرار می‌گیرد. همین نکته این جوامع را در مواجهه فعال با جهانی شدن یاری می‌رساند.

محورهای مشترک جهان اسلام از نظر فرهنگی و ارزشی و به تعقیب آن مشترکات اقتصادی و سیاسی این جوامع زمینه ساز تشکیل بلوک ضد هرژیسون در قبال گفتمان مسلط جهانی است. شناسایی این مشترکات و نیز باز تولید این مفاهیم مشترک و نظام ارزشی واحد در این راستا حایز اهمیت می باشد. در این میان مفهوم "امت" و تقریب مذاهب اسلامی از مفاهیم کلیدی جهت نیل به اهداف مزبور محسوب می گردد که این نوشتار مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

پارادوکس جهانی شدن و تأثیر آن بر روابط اسلام و غرب

دکتر حسام الدین واعظ زاده^(۱)

بحث جهانی شدن بیش از سه دهه است که به طور جدی وارد میساحت آکادمیک غرب شده است. اما از موضوعاتی است که تاکنون مطالعات جامعی از سوی دانشمندان مسلمان درباره آن انجام نشده در حالیکه نقد دیدگاههای مختلف در مورد جهانی شدن یک نیاز جدی برای مسلمانان است. مشخصه مهم بحثهای ارائه شده در مورد جهانی شدن، بیشتر سکولار غیر فرهنگی و کمتر توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی مسلمانان شده است.

اصولا یکی از کاستی‌های محققین مسلمان، عدم وجود فضای تبادل آراء و اندیشه‌ها و ارتباط مستمر و بی‌اطلاعی از تحقیقات یکدیگر می‌باشد. باید گفت طی چند سال گذشته محققین ایرانی علاقه و توجه ویژه‌ای به موضوع 'جهانی شدن' پیدا کرده‌اند و البته برگزاری چنین کنفرانس‌هایی فرصت مناسبی برای بررسی و تبادل آراء و نظریات میساتن محققین را فراهم می‌کند.

۱- کارشناس روابط بین‌الملل.

در این گفتار، بطور فشرده و با نگاهی نو به یک بررسی مقایسه‌ای بین "جهانی شدن" و جهانشمولی اسلام پرداخته و وجود پارادوکس و ناهمگونی میان فرآیندهای مختلف جهانی شدن را تشریح و تحلیل خواهیم کرد. این مقاله ضمن توجه بیشتر به موضوعات کاربردی و عملی، تأثیر جهانی شدن بر جوامع مسلمان، پاسخ و واکنش مسلمانان به آن و روابط اسلام و غرب را با نگاهی به وقایع ۱۱ سپتامبر بررسی می‌کند.

فصل سوم:

فرهنگ و ارتباطات

الگوی هنجاری مطلوب برای رسانه‌های جدید اسلامی^(۱).

دکتر حسام الدین آشنا^(۲)

در میان انواع نظریه‌های ارتباطی، یک رشته نظریه پردازی به نام نظریه‌های هنجاری یا دستوری (normative) وجود دارد که به باید‌ها و نبایدهای عملکردهای رسانه‌ها بر اساس نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه می‌پردازد. این نظریه‌ها ترسیم رابطه دولت، رسانه و جامعه را بر عهده دارند و انتظارات دولت از رسانه‌ها، ضوابط و شرایط حاکم بر آنها و توقعات مربوط به نقش اجتماعی رسانه‌ها را در جوامع گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهند و در کنار نظریه‌های علمی - اجتماعی، عملکردی و شعور عامه، چهار حوزه اصلی نظریه‌پردازی در ارتباطات جمعی را تشکیل می‌دهند (Mcquail 1994). بنابراین بررسی نظریه‌های هنجاری از دیدگاه عمیق انسان‌شناسانه و فلسفی ضروری است. این نوشته با مقروض گرفتن امکان تحقق جامعه دینی، التزام حاکمان، پیام آفرینان و مخاطبان رسانه‌ها به احکام و

۱- این نوشته را به پاس یک ماه مصاحبت آموزنده به آیه الله سید محمد حسین فضل الله تقدیم می‌نمایم.

۲- عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

اخلاق اسلامی به ارائه اصول مقدماتی نظریه‌های هنجاری رسانه‌های جدید مستند به برداشت روشمند از قرآن کریم و سنت پیامبر و ائمه معصومین(علیهم السلام) می‌پردازد.

جهانی شدن و هویت فرهنگی

مرتضی اشرفی^(۱)

جهان گرایی (globalism) یا جهانی شدن (globalization) از جمله مسائل مهمی است که در سالهای اخیر مورد بحث محافل گوناگون بین المللی بوده است. اکثر صاحب نظران و اندیشمندان بر این باورند که جهانی شدن از پیشرفت های بنیادین در زمینه ارتباطات، تکنولوژی، حمل و نقل و سایر مواردی است که دسترسی بیشتر انسانها به افکار و محصولات یکدیگر را فراهم ساخته است. در نتیجه این امر به واسطه مرتفع شدن بسیاری از محدودیت ها که سابقا بر سر راه ارتباط همه جانبه افراد، و همچنین واحدهای سیاسی و غیر سیاسی نظام بین المللی وجود داشت، شاهد پیدایش و افزایش اشکال جدیدی از ارتباط و مبادله در سطح جهان می باشیم. 'مک لوهان' با امعان نظر در این موارد، بحث معروف خود تحت عنوان دهکده جهانی را مطرح ساخت. به اعتقاد وی رشد و پیشرفت تکنولوژی در دنیا سبب شده است تا زمان و مکان کارکرد گذشته خود را در جلوگیری از گسترش ارتباطات از دست بدهند. در نتیجه جهان به سان دهکده ای است که هر حادثه و رخدادی در آن سریعا به سایر نقاط آن انتشار می یابد. به طور کلی طرفداران جهان شدن بر این اعتقاد هستند که به واسطه پدید آمدن چنین شرایطی، دنیا از جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به نحو روزافزون به سمت

یکسانی و همسانی حرکت می‌کند، تحقیق حاضر بر آن است که فرایند جهانی شدن را در ابعاد هویت فرهنگی آن مورد بررسی قرار دهد.

ابعاد فرهنگی جهانی شدن

باتوجه به پیشرفت‌های چشمگیری که در زمینه‌های مختلف تکنولوژی ارتباطات و نیز بالا رفتن فهم بشر از مقوله حیات رخ داده، گرایش به سوی 'فرهنگ جهانی' افزایش یافته است. جهان شدیداً کوچک و به هم فشرده شده و ما براحتی می‌توانیم از طریق شبکه‌های اینترنت و رسانه‌ای در مکان وقوع یک حادثه حضور یابیم. پیشرفت‌های سریع حمل و نقل و ارتباطات و به ویژه پیشرفت‌های فنی، مانند کابل نوری، ریز کامپیوترها، فکس‌ها و پخش ماهواره‌ای فاصله را کاهش بسیار داده‌اند. وقوع چنین تحولاتی در دنیا اصیل‌ترین دلایل بروز و ظهور موضوع 'جهانی شدن فرهنگ' بوده است. مردم کشورهای مختلف با بهره‌مندی از تکنولوژی پیشرفته امروزی، بیش از هر زمان دیگری فرصت‌آشنایی و شناخت عناصر و ویژگی‌های فرهنگ‌های جوامع دیگر را یافته‌اند از طرف دیگر این امکان فراهم شده است تا فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف فرصت‌هایی از مرزهای محدود ملی را پیدا کنند و در سایر جوامع نیز گسترش یابند، برخی ارزش‌های مشترک جهانی شکل گرفته و یا بتدریج در حال شکل‌گیری است. از این روی موضوع جهانی شدن و فرهنگ جزو موضوعات اصلی و با اهمیت جوامع مختلف در قرن جدید خواهد بود.

نحله‌های فکری مختلف جهانی شدن فرهنگ:

- ۱- موضع‌گیری معتقدان به تهاجم فرهنگی
- ۲- معتقدان به وجود یک فرهنگ نوین جهانی
- ۳- نحله فکری مبتنی بر تبادل ابزارهای مؤثر در جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن فرهنگی نیازمند ملزومات و ابزارهایی است که توانایی عبور از مرزهای جغرافیایی و ملی را داشته و در عین حال برخوردار از سرعت انتقال باشند. امروز جهانی شدن در حوزه فرهنگ از طریق ابزارها و وسایل و شیوه های متعددی که از دو ویژگی با اهمیت برخوردارند، صورت می گیرد. ما در اینجا به ذکر سه گونه از این ابزارها و شیوه ها می پردازیم.

۱- فرستنده های رادیویی بین المللی

۲- تلویزیون

۳- اینترنت پیامدهای مثبت و منفی جهانی شدن:

الف) آثار منفی جهانی شدن:

به طور کلی در مورد آثار منفی جهانی شدن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- همانطور که در قبل اشاره شد از طریق فرآیند جهانی شدن سیر ضد ارزش های فرهنگی غرب با ابزار توانمند پیشرفت های تکنولوژیک به سمت شرق و خصوصاً جوامع جهان سوم و مسلمان هجوم آورده است و نتیجه آن ممکن است به خود باختگی فرهنگی در بسیاری از ملل جهان سوم و تغییر و از دست دادن ارزش های فرهنگی در این جوامع منجر گردد.
- ۲- عدم توان اطلاعاتی در جهان (قدرت ارتباطات در بعضی از مناطق و ضعف آن در مناطق دیگر) به جریان یک طرفه اطلاعات انجامیده است. وسایل و کانال های ارتباطی در جهان سوم تا حدود زیادی در دست غرب است، تولید انتقال غرب به جهان سوم بوجود می آورد. این برنامه ها هویت فرهنگی تازه ای را می سازد. نظام پیشرفته ارتباطات در کشورهای توسعه یافته و در همان حال نظام عقب مانده ارتباطی در کشورهای پیرامون یا جهان سوم، به ایجاد جاذبه و جذب روشنفکران و نخبگان جهان سوم در سیستم ارتباطی کشورهای پیشرفته می انجامد و به تغییر الگوهای فرهنگی و تربیتی کشورهای

توسعه نیافته منجر می‌شود. زبان به عنوان محور تفکر و محمل فرهنگ ارتباطات عمل می‌کند و سلطه زبان به جریان اطلاعات مسیری یک طرفه می‌دهد.

۲- مسأله نگران‌کننده، رشد "تک فرهنگی" جهانی است، فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غربی و شبکه‌های روابط عمومی آنها تبلیغ می‌شود، فرهنگی که به مردم دیکته می‌کند که چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی کنند و چگونه فکر کنند، این زنجیره‌های رسانه‌های جهانی و متحدان آنها در جهان مالی و شرکت‌ها اکثریت وسیع انسانها را به مصرف‌کنندگان غیر فعال تبدیل می‌کند که از هویت فرهنگی خود خالی شده‌اند.

ب) آثار مثبت جهانی شدن:

۱- جهانی شدن تا اندازه‌ای تحرک اجتماعی را تسریع کرده است، باعث پخش گسترده علوم شده و عموماً ارتباطات را راحت و ارزان‌تر نموده است. اعضای جوامع مختلف در نتیجه آن توانایی بیشتری یافته‌اند، تا یکدیگر را درک کرده و بشناسند.

۲- برخی از تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی دانشجویان را حتی در مناطق دور دست وادار کرده است که به اندیشه‌ها و اطلاعات از کتابخانه‌ها دسترسی داشته باشند. این امر فقط منحصر به دانشجویان نیست و در واقع تمام استفاده‌کنندگان اطلاعات در بخش‌های مختلف علوم از این مزیت جهانی شدن استفاده می‌برند.

۳- افراد در جوامع مختلف بیشتر از هر زمان دیگری توانسته‌اند راجع به دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف آگاهی بیابند.

آنچه که به عنوان نتیجه از مباحث مطروحه می‌توان بیان کرد این است که با توجه به روند فزاینده پیشرفت تکنولوژی ارتباطات موضوع "جهانی شدن و هویت فرهنگی" جزو مباحث اساسی بشر برای سال‌های آینده باقی خواهد

ماند. در چنین شرایطی هیچ یک از کشورهای موجود در نظام بین الملل قادر نخواهد بود که به طور مطلق خود را از تأثیرات و پیامدهای "گلوبالیزم" به دور نگه دارند. افکار و عقاید براحتی در دورترین نقاط دنیا انتشار می یابد و بر اندیشه های دیگر تأثیر می گذارد و از آنها تأثیر می پذیرد. مرزهای جغرافیایی کارکرد سابق خود را در این زمینه از دست داده اند. از این رو شرایط برای شکل گیری فرهنگی جهانی بیش از پیش مهیا شده است. با این حال نمی بایست از ذکر یک نکته با اهمیت غفلت کرد و آن اینکه انتظار برای شکل گیری یک فرهنگ جهانی کاملاً یکدست و واحد انتظار بیهوده و غیر قابل تحقیقی است. حتی در بسیاری از کشورها هنوز یک فرهنگ واحد ملی بوجود نیامده است. شکل گرفتن یک فرهنگ جهانی تمام عیار ناممکن است. ما انسان هایی هستیم که نگرش های مختص به خود را داریم و دریافت کننده منفعل پیام های جهانی نیستیم و در نتیجه تمایزات را با قوا حفظ خواهیم کرد. از سوی دیگر با نگاهی به خصوصیات و ویژگی های هر فرهنگی در می یابیم که فرهنگ به مقدار زیادی به قومیت و زبان بستگی دارد. بنابراین، فرهنگ جهانی به این معنای خاص کلمه نمی تواند وجود داشته باشد چون یک قومیت جهانی و یک زبان جهانی نداریم.

همچنین این تصور که روند جهانی شدن فرهنگ به حاکمیت سلطه فرهنگ غربی خواهد انجامید نیز بیهوده است. البته این حقیقت قابل انکار نیست که این کشورها به واسطه بهره مندی از توان اقتصادی و تکنولوژیک برتر، در فرآیند جهانی شدن بازیگرانی فعال و مؤثر محسوب می شوند. اما ذکر این نکته بنیادین حائز اهمیت است که هر فرهنگی هر اندازه که شکوه و عظمت داشته باشد نمی تواند فرهنگ های دیگر از صحنه هستی پاک کند. بنابراین چنین تصویری که فرهنگی خاص مثلاً غربی بتواند حاکمیت مطلق داشته باشد، دست نیافتنی است.

تا هنگامی که آدم‌ها و مکان‌ها با هم تفاوت دارند و تاریخ و تجربه آنها از هم جداست، فرهنگ نیز گوناگون خواهد بود. فرهنگ بیش از آن که به نظم جهانی وابسته باشد، به انسان مربوط است و انسانها با یکدیگر متفاوتند. بنابراین چاره‌ای جز پذیرش چندگونگی فرهنگی نیست.

با همه اینها جهانی‌سازی به عنوان پدیده‌ای جدید و نو از راه می‌رسد و این پدیده نوآثاری بر فرهنگ خواهد گذاشت. انسان نمی‌تواند اسیر یا محصور فرآیند فرهنگ خود باشد. زیرا اکنون بگونه‌ای آسان و بی‌سابقه از فرهنگ‌های دیگر آگاه می‌شود و این معادله‌ای نوین است. در چنین شرایطی را کار مطلوب برای کشور ما آن است که با اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه ضمن پذیرش جنبه‌های مثبت جهانی‌شدن از طریق تقویت فرهنگ غنی و کهن ملی - مذهبی خود به بد اثرسازی و جوه منفی این پدیده همت گمارد.

گفتگوی تمدن‌ها راهکار جهانی شدن اسلام و مقابله با چالش‌های جهانی سازی

دکتر محمدرضا جواهری^(۱)

اسلام تنها دین حق و برحق و جهانی و جهان‌گیر است. قرآن کریم دین اسلام را دین جهان‌گیر معرفی نموده است که باید بر جهان حاکم گردد؛ او خداوندی است که پیامبر خویش را - با آیین هدایت و دین برحق - فرستاد تا این دین را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان (و دین ناباوران) چنین چیزی را خوش نداشته باشند. این آیه در سوره‌های توبه آیه ۳۲ و صف آیه ۹ و فتح آیه ۲۸ تکرار شده است و همین نکته مطلب را محکمتر می‌کند، خداوند در این آیه به صراحت می‌فرماید: که تنها دین حق و برحق، دین اسلام است و همین دین است که باید جهانگیر شود و جهانی خواهد شد چون خداوند چنین اراده کرده است. پیامبر گرامی اسلام نیز در حدیث مشهور اعتلاء می‌فرماید: «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه»، اسلام برتر از همه و هیچ چیز برتر از اسلام نیست (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۷۶). مطابق این حدیث نبوی، اسلام در منطق و برهان و قدرت معنوی و مادی بر دیگران برتری دارد و خواهد داشت و باید اعتلاء و برتری اسلام در سراسر جهان تحقق یابد و بر همگان آشکار گردد. بنابراین اسلام به حکم وحی الهی و سنت نبوی یک آئین بزرگ جهانی و عمومی و همگانی است و قطعاً سراسر جهان را خواهد گرفت و می‌تواند و شایستگی دارد حکومت برتر جهانی و امت واحده فراگیر و تمدن

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

بزرگ جامع و کامل بی نظیر در جهان بسازد و بررسی تاریخ اسلام و نگاهی به تجربه موفق تمدن سازی جدید، روشنگر امکان و توانایی اسلام برای ورود به عرصه جهانی سازی و جهانی شدن و حاکمیت بر جهان است.

نویسنده در این مقاله سعی کرده است توانایی مکتب اسلام را برای جهانی شدن و ساختن جهان و تمدن سازی، از راه بررسی تمدن اسلامی قدیم و گستردگی و نفوذ آن و شناسایی نقش تمدن اسلامی در سایر تمدن های جهان به ویژه تمدن غربی، نشان دهد و در این رابطه، اعترافات نویسندگان غربی و دانشمندان غیر مسلمان را در باره تمدن سازی مسلمین و تأثیرات آن در رهایی غرب از جهالت و توحش قرون وسطی می آورد، او با نقل دیدگاههای چهره هایی نظیر دکتر "گوستاولوبین" فرانسوی، "ارنست رنان"، "پترارک"، و "یل دورانت"، این واقعیت ها را آشکار نموده است. وی در ادامه پژوهش خویش با اثبات "جامعیت" و "جاودانگی" و "جهانشمولی" اسلام، امکان و لزوم جهانی شدن اسلام و گسترش آن در سراسر جهان و قدرت مقابله با چالش های جهانی سازی غربی ها را تبیین کرده است و "گفتگوی تمدنها" را یک راهکار مناسب برای جهانی شدن اسلام و حاکمیت ارزش های دینی و تشکیل مدینه فاضله نبوی (ص) و حکومت برتر اسلامی در سراسر گیتی می داند و اخلاق گفتگوی تمدن ها، اهداف گفتگوی تمدنها، ابزار گفتگوی تمدنها و آداب آن را بر اساس قرآن و سنت بیان می کند و تحقق وعده الهی جهانی شدن اسلام و اداره جهان بشری با ارزش های اسلامی را ممکن و عملی و قطعی می شناسد.

جهانی شدن و ارتباطات دینی:

رسانه‌های سنتی - رسانه‌های جدید، واگرایی یا همگرایی؟

دکتر ناصر باهنر^(۱)

جهانی شدن را اگر مهمترین موضوع مورد نظر محافل علمی و دانشگاهی در هزاره سوم میلادی بدانیم، یقیناً یکی از مورد توجه‌ترین موضوعات شاخه‌های مختلف علوم و حتی حوزه‌های غیر آکادمیک جوامع مختلف بوده و در این میان توسعه فن‌آوری ارتباطات و تکنیک‌های به کارگیری آنها سهم بسزایی در پیدایش این نگاه نوین به جهان داشته است. یکی از نهادهای اجتماعی که به گونه‌ای روز افزون با دغدغه‌های جهانی شدن رو به رو می‌باشد، نهاد دین است. حوزه مشترک این دو نهاد یعنی دین و ارتباطات را ارتباطات دینی نام می‌نهم که ادبیات موضوع مورد بحث در آن از فقر آشکاری رنج می‌برد و غفلت از آن بویژه در کشورهای اسلامی، فرصتها را نیز مبدل به تهدید خواهد نمود.

این مقاله بر آن است که با کنکاش پاسخهایی مناسب به پرسشهای زیر، راهبردهای اصیل را برای دست اندرکاران این حوزه پیشنهاد نماید:

۱- ابعاد مهم ارتباطی - دینی جهانی شدن کدام است؟

۲- تهدیدهای اصلی مربوط به رسانه‌های سنتی و رسانه‌های جدید دینی

چیست؟

۱ - عضو هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

- ۳- فرصتهای پدید آمده مربوط به رسانه‌های سنتی و رسانه‌های جدید دینی چیست؟
- ۴- راهبردهای اصلی برای طراحی ارتباطات دینی معاصر کشورهای اسلامی در حوزه‌های ملی و جهانی کدام است؟

جهانی شدن، فرهنگ جهانی و تجدید حیات فرهنگ و هویت اسلامی: همگرایی یا مقاومت؟

دکتر حسین پور احمدی^(۱)

فهرست اولیه مطالب:

- ۱- جهانی شدن، مدرنیته، هویت و فرهنگ جهانی لیبرال
- ۲- چالش‌های فرهنگی در فرآیند جهانی شدن
- ۳- جهانی شدن: ظهور دوباره هویت و فرهنگ مذهبی (اسلامی)
- ۴- انقلاب اسلامی ایران: مقاومت فرهنگی در مقابل جهانی شدن و فرهنگ لیبرال.
- ۵- فرهنگ اسلامی (انقلابی) و هویتی نو در مقابل غرب
- ۶- آینده فرهنگ و هویت اسلامی در عصر جهانی
- ۷- نتیجه گیری

در حالیکه دستاوردهای عقل‌گرایی اثباتی و علمی مدرنیته تمامی باورهای مذهبی را به چالش کشید و فرآیند جهانی شدن بویژه پس از پایان جنگ سرد در محدود سازی و مسخ باورهای دینی تلاش نموده است، اما در عین حال این فرآیند به چند گونه‌گی و ظهور دوباره هویت‌های مذهبی بویژه اسلامی انجامیده است. در پایان قرن بیستم و در آغاز قرن بیست و یکم، مذهب همچنان کنترل خود را بر بخش مهمی از تفکر بشری تقویت نموده و حق

۱ - عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

گسترش داده است به طوری‌که تمدید حیات اسلامی به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگترین پدیده‌های قرن و چالش جدی فراسوی گسترش فرهنگ یکپارچه لیبرالیستی در جهان به دنبال تسریع در فرآیندهای جهانی شده نظام سرمایه‌داری ارزیابی می‌گردد. در این نوشتار تلاش می‌گردد تا به نتایج فرآیندهای جهانی شدن در حوزه فرهنگ و هویت بویژه در مورد آنچه که به تکثرگرایی فرهنگی و نیز مقاومت چالش‌های مذهبی در مقابل همگون‌سازی فرهنگی (لیبرالیسم) در جهان انجامیده است، پرداخته شود و به طور خاص به ظهور دوباره فرهنگ و هویت اسلامی به عنوان راهکاری انقلابی در این راستا توجه گردد. سؤال اساسی پژوهش حاضر این گونه طرح می‌گردد که آیا تجدید حیات فرهنگ، فرهنگ اسلامی انقلابی به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی تکثرگرایی فرهنگی و در نتیجه فرآیندهای جهانی شدن را توضیح می‌دهد و یا بیش از هر چیز مقاومت در مقابل همگون‌سازی فرهنگی (لیبرالیسم) جهان سرمایه‌داری را آشکار می‌سازد؟

جهانشمولی و مسئله هویت

دکتر محمد ستوده^(۱)

در عصر فراصنعت و اطلاعات، مطالعه پدیده های ملی با پسوند جهانی همراه شده و فرآیند جهانی شدن و پیدایش جامعه شبکه ای باعث تحول در مفاهیم و نظریه های علوم انسانی و روابط بین الملل گردیده است. جهانی شدن را اعم از اینکه یک نظریه اجتماعی^(۲) فرایند تاریخی، روند انباشت سرمایه^(۳) همانندسازی، غربی سازی^(۴) و با ظهور تمدن اطلاعاتی^(۵) بنامیم ویژگی اساسی آن فرایند چند وجهی و گسترده ای می باشد که باعث فروپاشی زمان و مکان گردیده است. اگر هویت را عبارت از آنچه موجب شناسایی شخص یا چیزی می شود^(۶) تعریف نماییم. این سؤال مطرح می شود که مسئله یا بحران هویت ناشی از چیست؟ گرچه می توان زمینه ها و عوامل متعددی را در ایجاد آن بیان نمود اما تا حد زیادی مسئله یا معمای هویت در عصر جهانی شدن نشأت گرفته از فرو ریزی مرزها و ظهور جامعه

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه.

۲- رک: رونالد رابرتسون جهانی شدن، تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی (تهران: نشر ثالث ۱۳۸۰).

۳- پل سوئیزی و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف؟ ترجمه ناصر زرافشان (تهران، آگاه، ۱۳۸۰)

۴- سرژ لاتوشه، غربی سازی جهان ترجمه فرهاد مشتاق صفت (تهران: سمت ۱۳۷۹)

۵- رک فرهنگ جهانی، پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنک (تهران: آگاه ۱۳۷۹)

۶- مهشید مشیری، فرهنگستان فارسی (تهران: سروش ۱۳۷۱) ص ۱۱۷۷.

شبکه ای جهانی دست که این امر مکان، زمان و آینده فرد را با ابهام مواجه می‌سازد.^(۱) در این وضعیت سؤال اساسی این است که مبنای هویت‌سازی در اسلام کدام است؟ بررسی قرار گرفت که هویت‌سازی در اسلام آزاد از قیود مکانی و زمانی است و بر اساس ساخت‌کنشگران با تعلقات درونی فطری صورت می‌گیرد. زیرا اسلام به مکان و زمان مشخصی تعلق ندارد و جهانشمولی در ذات اسلام نهفته است و اسلام جنبه اصلی هویت انسان موحد می‌باشد. در اسلام 'میان روش دین و روش زندگی، هیچگونه جدایی نیست.'^(۲) و 'دین از نظر منطبق قرآن یک روش زندگی اجتماعی است که انسان اجتماعی به منظور تأمین سعادت زندگی اتخاذ نموده است.'^(۳) در اسلام مبنای هویت قوم، قبیله، نژاد، زبان نیست و در مقابل نظریه ای که هویت را ساخته تعلقات بیرونی و اجتماع می‌دانند، هویت را مربوط به تعلقات فطری الهی انسانها می‌داند که در حقیقت و آفرینش انسان به ودیعه نهاده شده است، از این نظر بحث از جهانشمولی اسلام در یک رهیافت فرهنگی، چالشهای هویتی موجود را از خاطره‌ها می‌زداید و امور مادی را به تبع معنویت سامان می‌دهد. طرح دوباره مذهب و احیای اسلام در مصر پسامدرن و حرکت جهان به سمت سکولار زدائی بویژه در جوامع مذهبی از این امر حکایت دارد که انسانها در پی دست‌یابی به هویت‌های نوینی هستند^(۴) و فقر معنوی جهانی نظام سرمایه‌داری، مدیریت و کنترل دهکده جهانی را با بحران و مشکل مواجه ساخته است. در این شرایط کنوانسیونها، قواعد و رژیم‌های بین‌المللی توان

۱-blackwell publishers, 2000 p.294

۲- سید محمدحسین طباطبایی، بررسیهای اسلامی (قم: دفتر تبلیغات اسلامی بی تا) ص، ۲۲

۳- همان، ص ۳۶

۴- ر.ک. برایان وایت. و دیگران: مسائل سیاست جهان، ترجمه سید محمدکمال سروریان (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۱)، ص ۱۵۴-۱۲۹.

لازم را برای ایجاد یکپارچگی و برقراری عدالت جهانی ندارند و همچنان قدرتهای مسلط، اصول، هنجارها و ارزشهای انسانی را، ابزار دست یابی به منافع خود قرار داده اند. از نظر اسلامی رفع تعارضات، ستم ها و تمایزات هویتی صرفاً از طریق اصلاح ساختارها و عوامل بیرونی امکان پذیر نیست و همگرایی جهانی، برقراری مساوات و عدالت با احیای هویت مشترک فراگیر از طریق شعور درونی پاک انسان امکان پذیر می باشد.

جهانی سازی: تهدیدها و فرصتها در عرصه فرهنگ و دین

سید سعید لواسانی^(۱)

مقاله حاضر در صدد تبیین این نکته است که روند جهانی شدن و فرایند جهانی سازی واقعیت دنیای معاصر ماست که با قابلیت تهدید زایی بسیار، فراروی ما قرار دارد و می تواند خطری جدی برای فرهنگ و دین ما باشد؛ واقعیتی که گریزی از آن نیست و حتی اگر ما آن را نادیده بینگاریم، او با همه هستی و شؤونات ما کار دارد، در عین حال شناخت دقیق این موضوع و استفاده از امکانات و ابزارهای که پیش روی ما قرار داده، این امکان را فراهم می کند که تهدید را به موقعیتی کم نظیر تبدیل کنیم.

این مقاله از یک مقدمه و هفت فصل تشکیل شده است. مقدمه بیان می دارد که ترکیب ناخوشایند جهانی شدن در عین حال که نو و جدید است، ریشه در تاریخ و فرهنگ تجدد دارد و بر خلاف تصور عامه تنها در ابعاد سیاست و اقتصاد جریان ندارد، بلکه به حوزه زندگی و عواطف انسانی نیز راه یافته و فرهنگ و دین را نیز به چالش کشیده است.

فصل اول: نگاهی به تعاریف جهانی شدن؛ مشکلات تعریف جهانی شدن، و همچنین تعاریف عمده ای را که صاحب نظران غربی از این واژه ارائه داده اند، موضوع آن است. در این فصل از مقاله روشنگر "جان آرت شولت" که تقریباً عمده تعاریف را طرح و دسته بندی کرده بیشترین استفاده شده و در ادامه

تعریف و رهیافت "آنتونی گیدنز" در باره این مفهوم تحلیل شده است. در پایان، راقم این سطور تعریف خود را از جهانی شدن فرهنگ ارائه کرده است.

فصل دوم: چیستی جهانی سازی، از تفاوت پروژه و طرح جهانی سازی از روند جهانی شدن و در عین حال ارتباط و در هم تنیدگی این دو مفهوم حکایت می کند و اینکه جهانی سازی طرحی است که سوداگران سیاسی و اقتصادی ریخته اند تا اقلیتی کوچک بر اکثریتی بزرگ حاکم شوند. در ادامه از حاکمیت ظلم و ستم که در پی تحقق ایده "اراده معطوف به قدرت" در سراسر گیتی تحقق می یابد و اینکه طرح جهانی سازی، پس از سقوط کمونیسم شروع شد و بعد از حوادث یازدهم سپتامبر اوج گرفت، سخن به میان آورده است.

فصل سوم: مدرنیته خاستگاه جهانی شدن؛ در این فصل با استناد به پیام حضرت امام به گورباچف به تحلیل مختصر از عصر مدرنیته که به عبارتی عصر دوری از خداست، پرداخته است. پیامد محجوبیت، بحران هویت و اضطراب و طغیان بشر آزاده معاصر است، و جهانی شدن امتداد و انتهای این عصر است.

در حقیقت سه فصل اول، مقدمه ضروری جهت ورود به بحث اصلی مقاله است.

فصل چهارم: جهانی سازی فرهنگ؛ تهدیدها و چالشها؛ در آن، تلاش کارگزاران جهانی سازی برای همگون سازی فرهنگ جهان بر اساس فرهنگ غربی - آمریکایی و نافرجامی این کوشش با استناد به نظرات "فوکویاما" و "هانتینگتون" گوشزد شده است. تهدید اصلی جهانی سازی، تحمیل فرهنگ مصرف گرای غربی و الگوهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غربی - آمریکایی بر سراسر جهان است. و توطئه ای که هدف آن پیروزی بر بشریت است نه پیروزی بشریت.

فصل پنجم: جهانی سازی و دین؛ تهدیدها و چالشها؛ در فصل پنجم، نخست تأثیر فرایند جهانی سازی بر دین و به ویژه اسلام طرح و بحث شده است.

سپس دیدگاه اشراقیت (بورژوازی) عصر مدرن به دین به عنوان امری صرفاً فردی و دیدگاه مارکسیستی چونان افیون توده‌ها و نظر گاه زیرکانه طراحان سیاسی غربی، به مثابه ابزار مطامع سیاسی قدرتهای بزرگ به بحث گذارده شده و در نهایت از چهار تهدید عمده فراروی دین به ویژه اسلام، یعنی مبارزه با دین باوری از ایجاد شبهات علمی و شهوات عملی، تقلیل اسلام به عنوان معنویت صرف و تهی کردن از عنصر شریعت، مقابله خشونت آمیز با دین و اسلام به عنوان تنها عامل مقاومت در برابر جریان غربی سازی، استفاده سیاسی از مذهب مسخ شده و کژریخت آیین پروتستان آمریکایی برای به انحراف کشاندن جریان احیای حس دینی بحث شده است.

فصل ششم: جهانی سازی دین و فرهنگ، فرصتها؛ جهانی سازی تنها فرایندی فرصت سوز نیست، بلکه می تواند فرصت ساز نیز باشد. احیای مجدد دین و اینکه غرب حاکم مطلق جریان جهانی سازی نیست، این مجال را مهیا کرده تا بتوان با استفاده از فناوری جدید و روزآمد، به نفع فرهنگ خودی و دین اسلام استفاده کرد؛ ضمن اینکه فقر درونی مدرنیته فرصتی مضاعف را برای نقد غرب و اشاعه فرهنگ اسلامی ایجاد کرده است. به عبارتی دیگر هم اکنون ضعف مدرنیته آشکار شده و ما امکان یافته ایم با ابزار نوین، دین و فرهنگ اسلامی را تبلیغ کنیم و این لحظه ای تاریخ ساز برای ماست.

فصل هفتم: جهانی سازی و انتظار قرچ: بحثی مستقل از ارتباط این فرایند با علائم ظهور و انتظار منجی است. در این فصل دو نکته اساسی را مختصراً به بحث گذارده ایم. نخست: با فرایند جهانی سازی، معنای روایاتی که می فرمایند پیش از ظهور، زمین پر از ستم و جور می شود به خوبی روشن می شوند. در این مختصر با اشاراتی به چند فراز از سخنان امام امت، روشن شده است که انقلاب اسلامی می تواند زمینه ساز ظهور باشد. دوم: حقیقت بحث "مرکز و پیرامون" از دیدگاه مآثورات اسلامی کنکاش شده، نظری که خلاف نظر سطحی نگرانه غربی است. مرکز و نه غرب است و نه فرهنگ آن،

بلکه مرکز و متن جهان وجود مطهر امام معصوم و انسان کامل (ارواحنا له
القضاء) است که همه جهانیان در پیرامون و حاشیه او می زیستند و در نهایت
هم سراسر گیتی از آن مؤمنان پیرو او می شود. زیرا حاکم واقعی جهان،
آخرین ذخیره الهی است، حاکمی که فرهنگ انسان ساز و الهی و جهانشمول
اسلامی را بر پهنه گیتی می گستراند که در آن عدالت و معنویت رهیافت انسان
آزاد شده از بند هوی و هوس است.

تنگناهای فرهنگ حاکم بر جهانی شدن

سید کاظم سید باقری^(۱)

دغدغه و سؤال اساسی این پژوهش آن است که آیا تنگناهای فرهنگ حاکم بر جهانی شدن چیست؟ برای پاسخی در خور به این سؤال، لازم است تا مفاهیم بحث تبیین گردند. منظور از فرهنگ حاکم آن است که فرهنگی از آن چنان امکان و توانایی بالایی برخوردار باشد که بتواند در عصر جهانی شدن، بر دیگر فرهنگ‌ها غالب آید. جهانی شدن را می‌توان روندی دانست که در آن تراکم زمان و مکان، انتقال سریع داده‌ها، کمرنگ شدن مرزهای ملی و طرح مباحث و چالش‌های جهانی، شکل می‌گیرد و هر واقعه محلی تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، قرار دارد. این نگرش، جهان گسترتری را روندی طبیعی و پروسه‌ای می‌داند. اما نگرش جهانی سازی، این وضعیت را گستراندن و فراگیر کردن آموزه‌های لیبرالیسم و فرهنگ غربی می‌داند. پروژه‌ای که از آن به «غربی سازی» یا «امریکایی کردن» جهان تعبیر می‌کنند. برای دقت بیشتر در سؤال اساسی این تحقیق به دو سؤال پیشینی پاسخ داده می‌شوند، با آن که عنوان این بحث به گونه‌ای این مباحث را مفروغ گرفته است؛ اول آن که آیا حاکم شدن یک فرهنگ امکان دارد؟ که با توجه به توانایی و ابزارهای فن‌آوری اطلاعات، این مفهوم، چندان دور از دسترس نیست، هر چند که این امر به معنای برتری مطلق یک فرهنگ نیست.

سؤال دوم آن که آیا حاکم شدن یک فرهنگ، به معنای عدم حضور و خاموشی دیگر فرهنگ‌هاست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که در طول تاریخ این توان در هیچ فرهنگی نبوده است که صدای دیگران را خاموش کند و برتر مطلق گردد، چه رسد به عصر جهانی شدن که «دیگران» توان طرح حضور خود را پیدا می‌کنند و خرده‌گفت‌ها، فرصت می‌یابند تا صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. لذا برتری یک فرهنگ، هرگز به معنای خاموشی دیگر گفت‌ها نیست.

با توجه به واقعیت‌های موجود در جهان، می‌توان گفت که فرهنگ لیبرال - دموکراسی غربی از تسلط نسبی برخوردار است و برای برتری مطلق تلاش می‌کند. پس مطلوب آن است تا از لفظ «می‌شود» استفاده کرد تا «است»، زیرا هنوز نمی‌توان از «فرهنگ حاکم» سخن گفت. با این همه، آیا فرهنگ لیبرال دموکراسی در این راه با چه تنگناهایی برخورد خواهد کرد و آیا اساساً توان آن دارد که این برتری نسبی و کوتاه را بر برتری مطلق و بلند مدت تبدیل کند. آن چه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، تنگناهای فرهنگی - اجتماعی است. اولین تنگنای این تمدن، حضور دیگر گفت‌هاست. دیگرانی که امکان حرف زدن پیدا کرده‌اند و کسی نمی‌تواند آنها را خاموش سازد. در درون این منظومه فکری، اندیشه پست مدرنیسم وجود دارد که بسیاری از اصول مدرنیسم را زیر سؤال می‌برد و در حوزه برون‌گفتمانی نیز بسیاری دیگر از تمدن‌ها حضور دارند که مفاهیمی دیگرگونه مطرح می‌کنند. دومین تنگنا، هیچ‌انگاری و دغدغه‌های بنیان برانداز می‌باشد که این معنا از ویژگی‌های تمدن و جامعه غربی گردیده است. این خصیصه، استوانه‌های فکری ژرفای تمدن‌ها را از درون، زیر سؤال می‌برد. محدودیت سوم، فساد است که جلوه طبیعی و منطقی بن‌مایه‌های اندیشه غربی است. اندیشه‌ای که دین را امری فردی می‌داند، از ما وراء الطبیعه می‌برد، همه پاسخ‌های خود را از تجربه و امور زمینی طلب می‌کند و نگرش‌های سود طلبانه از اصالت برخوردارند. نبود قدرت

برتر و مافوق در زندگی بشر، او را برای هر کاری در زمین توجیه می‌کند و این، در پی خود فساد می‌آورد و فساد بنیان جامعه را سست می‌کند و موجب گسست بنیاد خانواده می‌گردد. محدودیت چهارم، نا عدالتی است. جامعه‌ای که دارای نگرش اصالت فردی است، افراد در آن به سود شخصی و فزونی آن می‌اندیشند و چون آزادند، کسی نباید مانع آنان گردد؛ لذا پیامد طبیعی این نگرش، شکاف طبقاتی و حضور نا عدالتی در جامعه است. این نا عدالتی در فرهنگ و اجتماع با گزینشی بودن داده‌ها و محصور بودن رسانه‌های اطلاعاتی در دست عده‌ای خاص، خود را نشان می‌دهد و صاحبان فن‌آوری برتر، آن چه را که به سود آنان است، منعکس می‌کنند.

تنگنا برای یک فرهنگ، به معنای وجود فرصت‌ها برای دیگر فرهنگ‌هاست و آن فرصت‌ها در صورتی مفید واقع می‌شوند، که دیگر فرهنگ‌ها توانمندی و استعداد کافی برای بهره‌گیری دارا باشند. فرهنگ و تمدن اسلامی - شیعی توانمندی خلاق بسیاری دارد که مجال عرضه گوهر ناب دین را فراهم می‌کند. اولین توانمندی فرهنگ اسلامی، اصل فطرت است که با توجه به جاودانگی و وجود آن در همه افراد بشر، به این تمدن امکان مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها و فراخوانی آنها به ندای درونی‌شان را به وجود می‌آورد. فطرت، ندای درونی انسان‌هاست و اسلام خواهان می‌تواند اساس تبلیغ و ترویج خود را بر آن قرار دهد و انسان‌ها را بار دیگر به خود فراخواند.

دومین توانمندی فرهنگ اسلامی، اجتهاد است. این ویژگی به مذهب شیعه توان نو شدن، تواندیشی، همگامی با زمان و مکان و انعطاف فکری می‌دهد و به آن فرصت می‌دهد که خود را منطبق با عصر جهانی شدن سازد.

سومین توانایی، در روابط سالم اجتماعی است. آموزه‌های بسیاری در دین اسلام وجود دارد که به تحکیم اساس جامعه یاری می‌رسانند. در این مفاهیم، منافع فرد و جمع در کنار هم تأمین می‌شود و هیچ‌گاه سود یکی به ضرر دیگری مصادره نمی‌شود. وسیله بودن آزادی برای تکامل انسان، حقوق متقابل

افراد، امر به معروف و نهی از منکر، سعه صدر، عدالت فردی و اجتماعی، رشد معنوی اجتماع و ... همه، روابط سالم اجتماعی را برای جامعه به ارمغان می‌آورند.

آخرین توانایی «عدالت» است، آن سان که همه رسته‌های جامعه را در بر می‌گیرد. هدف انبیاء در قرآن اقامه قسط بیان شده است. نه فرد مطلقاً در کسب ثروت فردی رها می‌گردد و نه نیازهای فردی به سود جمع نادیده گرفته می‌شود. در اسلام، به «توزیع قدرت» و «توزیع ثروت» هر دو عنایت شده است و همه چیز بر محور عدل است. برابری در تعیین سرنوشت، اداره جامعه، قانون، ثروت، قدرت، قضاوت و ... نمونه‌ای از تاکید فراوان اسلام بر عدل است. وقتی روابط سالم اجتماعی و نهادینه شدن عدالت در فرد و جمع، در کنار هم دیده شوند، می‌توان به ضمانت اجرای عدالت در جامعه باور داشت.

جهان در شتاب و دگرگونی است و فرهنگ‌ها چه به صورت ناخود آگاه و چه با تلاش صاحبان آنها در حال فراگیر شدن هستند. با همه تلاشی که برای تسلط فرهنگ لیبرال - دموکراسی می‌شود، اما باور به «پایان تاریخ» نوعی واکنش هیجانی است و این فرهنگ برای تسلط، با تنگناهای بسیاری رو به رو است. دیگر فرهنگ‌ها، به ویژه دانشوران فرهنگ اسلامی باید با توجه به فرصت پیش آمده، به معرفی آموزه‌های ناب اسلامی، پارویکردی دقیق، شفاف، بخردانه و متقن، بپردازند. باید دانست که انسان مدرن در عصر جهانی شدن، همچنان در پی تکیه‌گاهی راستین است و عقل سلیم بشری هرگز از تکاپوی حقیقت طلبی نمی‌ایستد.

تأثير جهاني سازي فرهنگي بر جامعه اسلامي

دکتر عمر جاء^(۱)

جهاني سازي آنچنانکه از سوي کشورهاي غالباً پيشرفت اقتصادي غربي مطرح مي‌شود در واقع پرتوي از جريانهاي فعلي در علوم و فن آوري هاي نوين است . موضوع جهاني سازي طی دو دهه اخير مورد بحث گسترده اي قرار داشته که اساساً جنبه اقتصادي آن بر جهات ديگر مي چربيد هر چند آشکارا هدفش اين بود که جامعه جهاني واحدی با تنها یک فرهنگ را بيافريند . در اين جامعه جديد پيشنهادهي نيز بايد فرهنگهاي سنتي از جمله دين و آداب و سنن اجتماعي را به یک سو نهاد تا هرگونه مانعي در برابر فرهنگ نوين که بر پايه مفاهيم مادي و لائیک امروزي استوار است ، از ميان برداشته شود .

اين مقاله در پی آنست که پيش از هر چيز ، تأثير اين فرهنگ واحد جهاني که به صورت نهران يا آشکار و در چارچوب جهاني سازي مطرح شده است را بر فرهنگهاي مختلف جهان اسلام ، مورد مطالعه و بررسي قرار دهد . فرهنگ در اسلام خود يکي از عناصر ديني است که توحيد-يعني ايمان به خدا وحدانيت صفات و توانايي و دانايي و همواره حاضر و ناظر بودن او - اساس و بنياد آن را تشکيل مي دهد .

کاملاً روشن است که اين مجموعه ايماني (يعني توحيد) در تناقض آشکار با هدفهاي ماده گرایی لائيسم امروزي قرار دارد .

۱ - از محققان و انديشمندان جهان اسلام .

ما در این بررسی و مطالعه نگاه گسترده‌ای به پدیده‌های منفی نهفته در عنصر فرهنگی جهانی سازی و بویژه تأثیرات منفی آن بر امت اسلامی خواهیم افکند و امیدواریم وسیله و روشی بیابیم که ما مسلمانان را قادر سازد در برابر خطرات تحمیلی جهانی سازی بیش از پیش مقاومت خود را افزایش دهیم.

نمایه

نمایه پدیدآورندگان^(۱)

آ - الف	تسخیری، محمد علی: ب ۱، ف ۱
آشنا، حسام الدین: ب ۲، ف ۳	
آقانظری، حسن: ب ۲، ف ۱	ج - ح - د
احمدی، حمید: ب ۲، ف ۲	جاء، عمر: ب ۲، ف ۳
اشراقی، مرتضی: ب ۲، ف ۳	جواهری، محمدرضا: ب ۱، ف ۱
اعتمادی نیا، مجتبی و همکاران:	و ب ۲، ف ۲
ب ۱، ف ۱	حاجی یوسفی، امیر محمد:
افتخاری، اصغر: ب ۲، ف ۲	ب ۱، ف ۲
افروغ، عماد: ب ۱، ف ۱	حسینیان، محمد جعفر: ب ۲، ف ۲
الویری، محسن: ب ۱، ف ۲	دهشیار، حسین: ب ۲، ف ۲
اوانج، عبدالهادی: ب ۱، ف ۱	
	ر - ز - س
ب - پ - ت	رادپی، عثمان: ب ۱، ف ۱
بارگاهی، احمد: ب ۱، ف ۱	رحیمیان، سعید: ب ۱، ف ۱
باهنر، ناصر: ب ۲، ف ۳	رستمی زاده، رضا: ب ۱، ف ۱
برزگر، ابراهیم: ب ۲، ف ۲	زحیلی، وهبه: ب ۱، ف ۱
بندرچی، محمد رضا: ب ۱، ف ۱	سیحانی، حسن: ب ۲، ف ۱
پوراحمدی، حسین: ب ۲، ف ۳	ستوده، محمد: ب ۲، ف ۳

۲- لازم است یادآوری شود: «ب» به معنای بخش و «ف» به معنای فصل است.

ک - ل - م

- کاشفی، محمد رضا: ب ۱، ف ۱
 لواسانی، سید سعید: ب ۲، ف ۲
 محسنی، محمد آصف: ب ۱، ف ۱
 محسنیان راد، مهدی: ب ۱، ف ۲
 مولانا، حمید: ب ۱، ف ۲

ن - و - ه

- نادران، الیاس: ب ۲، ف ۱
 واعظ زاده، حسام الدین: ب ۲، ف ۲
 همایون، محمد هادی: ب ۱، ف ۲

سجادی، سید عبدالقیوم: ب ۲، ف ۲

سلامی، محمد مختار: ب ۱، ف ۱

سید باقری، سید کاظم: ب ۲، ف ۲

ش - ع - ق

- شعبانی، احمد: ب ۲، ف ۱
 عاملی، سعیدرضا: ب ۲، ف ۲
 علیزاده، بیوک: ب ۱، ف ۱
 عصمتی، سید حسن: ب ۱، ف ۱
 قریشی، فردین: ب ۲، ف ۲
 قیصری، نوراله: ب ۲، ف ۲

فهرست مقالات واصله به دبیرخانه هیأت علمی

- ۱- جهانی شدن در بستر ارتباطات - خانم مرضیه فیلی
- ۲- مذهب جهانی شدن - خانم شکوفه هادی ناصر
- ۳- سیری در تاریخ مشترک مذاهب اسلامی در راستای جهانی سازی - پرفسور فاروق صفی زاده
- ۴- امت اسلامی و جهانی شدن - خانم فرانک هادی ناصر
- ۵- ویژگیهای جهانشمولی اسلام - محمد رضا عرب زاده
- ۶- اسلام و روند جهانی سازی - موسی تیموری قله نویی
- ۷- شعار و رفتار مشترک مسلمانان - دکتر محمد مظفر پور
- ۸- جهانی سازی، چالشها و فرصتها - عبدالقیوم شکاری
- ۹- بارزه های وحدت و تفکر دینی و ریشه های همسانی در جهانی سازی - دکتر محمد نقی زاده
- ۱۰- جهانی سازی (عضویت یا عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی و اقتصاد) - خیر الله اشراقی
- ۱۱- بررسی ویژگیهای جهانشمولی اسلام - یاسین توکلی
- ۱۲- جهانشمولی اسلام و دیدگاه آن از نگاه کتاب، سنت و تحلیل فلسفی - مراد قلیج مقامی نیا
- ۱۳- اقتباس (راهکار تمدن اسلامی در پذیرش تنوع فرهنگی ملل در چارچوب ارزشهای توحیدی) - عباس برومند اعلم
- ۱۴- مختصری از جهانشمولی اسلام (لزوم وحدت و اخوت اسلامی در عصر کنونی) - عبدالحمید شیخ جامی
- ۱۵- جهان سازی و هویت اسلامی - و ملی ما - سعید سلیمان
- ۱۶- جهانشمولی حقوق بشر از دیدگاه قرآن - سعید سلیمان
- ۱۷- جهانشمولی اسلام و جهانی سازی - محمد رضا فهمی

- ۱۸- تعریف ، تاریخ و مبانی جهانی شدن - محمد آصف جوادی
- ۱۹- مسؤولیتهای مشترک مسلمانان - خیر الله یعقوبی
- ۲۰- تاریخ و مبانی فکری و فلسفی جهانی سازی - مرتضی شیرودی
- ۲۱- جهانشمولی اسلام - محمد رسول صدیقی
- ۲۲- مسؤولیت و هویت اسلامی مشترک مسلمانان - الحاج عبدالجبار آخوند میرآبی
- ۲۳- وحدت در جامعه اسلامی - غلام رسول احمدی
- ۲۴- جهانی سازی و جهان اسلام - محمود سلمان
- ۲۵- تأملی گذرا بر مقوله جهانی سازی - زهرا گل آوری
- ۲۶- امام خمینی (ره) و انقلاب جهانی اسلام - مسلم آخوندی
- ۲۷- اسلام چالش با فاشیسم و سکولاریسم - رسول قربانی مقدم
- ۲۸- فرهنگ ایرانی اسلامی و جهانی شدن - علاء الدین شاهرخی
- ۲۹- در آفاق وحدت و اخوت اسلامی - سعید خومحمدی خیرآبادی
- ۳۰- جهانشمولی اسلام و مبانی فلسفی و فکری آن - مراد قلیچ مقامی نیا
- ۳۱- جهانشمولی اسلام - عبدالعزیز مسلمان
- ۳۲- پذیرش تنوع فرهنگی ملل مسلمان در چارچوب ارزشهای توحیدی - علیرضا امیدی
- ۳۳- دنیای جدید و رسانه های سنتی - محمد برقی
- ۳۴- وحدت و اخوت اسلامی - خانم تهمینه بهبودی و همکاران
- ۳۵- جهانی شدن و رهیافت های گوناگون به آن - مهدی علی آبادی
- ۳۶- جهانشمولی اسلام و جهانی سازی - آناه طواق آخوند گلشاهی
- ۳۷- استراتژی نظام اسلامی در مقابل امواج جهانی - سعید اسماعیلی بهبهانی
- ۳۸- اسلام مکتب ما - رحیم بخش بلوچ زهی
- ۳۹- جهانشمولی اسلام و هماهنگی با فطرت انسان - حسین عینی
- ۴۰- ویژگیهای جهانشمولی اسلام : هماهنگی و فطرت انسان - محمد سعید فاضلی
- ۴۱- معیارات عالمیه الإسلام - دکتر احمد نعمتی
- ۴۲- الإسلام و تحدیيات العولمة - سعد المنصوری
- ۴۳- العولمة : مفهوماتها و آثارها - زینب المنصوری
- ۴۴- عالمیه الإسلام و مسؤولیه المسلمین - سعد متعب